Vol. 2, No. 2, Serial No. 3, Autumn & Winter 2025

JAROS

Journal of Asian Regional Orders Studies

Journal Homepage: https://ijas.shirazu.ac.ir
https://doi.org/10.22099/JAROS.2025.52348.1027

Research Article

The regional system of Makran and Southeast Iran: An assessment of its challenges and issues

Mozaffar Hasanvand[1*], Mehdi Esfandyari [2]

1. PhD in Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran
2. M.A in Regional Studies, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

Article history: Received: 30/01/2025 Accepted: 23/06/2025

Abstract

Introduction

With the decline of the bipolar and hegemonic system, new regions have been placed on the agenda of regional and global powers. Asia, especially the Pacific and Makran (especially southeast Iran), is today considered one of the world's most central and tense geopolitical regions. Given the emergence of new regional and international powers and the importance of new regions in new competitions, especially in Asia and the Makran region (and southeast Iran at its geographic center), an attempt has been made to examine the security challenges facing southeast Iran. In this regard, the authors have two important goals in mind. First, pay attention to the importance of regionalism and the need to monitor emerging competitive regions, such as Makran and southeastern Iran. Second, to address the level of security challenges in the southeastern region of Iran, which is a center of

Please cite this article as:
Hasanvand, M., Esfandyari, M. (2025). The regional system of Makran and Southeast Iran: An assessment of its challenges and issues. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, *2*(2) 295-342. https://doi.org/10.22099/JAROS.2025.52348.1027

* Corresponding author: E-mail address: Mozaffar.hasanvand@gmail.com

Copyright: © 2025 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

significant competition between Asian and Western powers (especially the United States).

Methodology

The present study is theoretical in nature and, in terms of its purpose, theoretical-applied research, which, in turn, informs the methodology, which is also descriptive-analytical. On this basis, it has used relevant theoretical principles to explain the four conceptual levels and ensure coherent application. The four levels mentioned are: the emergence of new regions; the transitional cycle and power transition in the international system; the role of regional actors in peripheral regions; and the recognition of multifaceted internal challenges and harms.

Findings

The Makran region (focusing on southeastern Iran) is the main area of residence and settlement of the Baloch people, which includes a contiguous territory including the Balochistan province of Pakistan, the southwestern corner of Afghanistan, and the area comprising southeastern Iran, which is different from other central areas in three elements: ethnicity, language, and religion.

Compared to other Baloch residents in Pakistan and India, Iranian residents are in a more unfavorable situation, especially at the economic and political levels (due to limited participation in the power structure). The poor state of human development and education, and the lack of capable civil activists, have led to the loss of national capacities. A review of various human and welfare indicators in all areas shows the stark difference of this province compared to other cities. The existence of numerous deprivations and social harms has become one of the most risky areas for the intensification of security problems and the growth of extremist and violent movements, as well as the increase in drug trafficking and smuggling. With the closure of the northern borders by Iran, drug transit has shifted to the southern regions of Afghanistan. Therefore, this situation has caused the southeastern region of Iran, more than other regions of the country, to be severely affected by the geopolitics of drugs and the problems and insecurities arising from it.

Conclusion

Iran has the largest geographical share (land and sea) in the Makran region, but the country's role in current issues and the organized patterns of friendship and enmity are at a very low level, and the reality indicates the existence of multilayered bilateral or multilateral arrangements and relations between actors, excluding Iran. The results indicate that the least number of

development-oriented and construction plans and projects have been implemented in this province and region, and in a situation where the Makran region should have become a powerful part of Iran in global economic issues and become a major player in the regional and international arena, In the absence of proper politics, sectional and sometimes ideological policies, the lack of fair distribution of the country's public budget, and the lack of political participation, the forbidden have prevailed over the possible, and this region has become a weak point for Iran's security and economy.

Keywords: International System, Asia, Regions, Makran, Southeast Iran, Development.

سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۴

JAROS

پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا

Journal Homepage: https://ijas.shirazu.ac.ir
https://doi.org/10.22099/JAROS.2025.52348.1027

مقاله پژوهشی

نظام منطقه‌ای مکران و جنوب شرق ایران: ارزیابی چالش‌ها و مسائل

مظفر حسنوند[1*]، مهدی اسفندیاری[2]

۱. دکترای تخصصی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

اطلاعات مقاله | تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

چکیده

مقدمه: با افول نظام دوقطبی و هژمونیک، مناطق نوین در دستور کار قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است. مجموعه آسیا به‌ویژه پاسیفیک و مکران (به‌ویژه جنوب شرق ایران)، امروزه از کانونی‌ترین و پرتنش‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان محسوب می‌شوند. باتوجه‌به ظهور قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جدید و اهمیت مناطق جدید برای رقابت‌های تازه به‌ویژه در آسیا و در محدوده مکران (و جنوب شرق ایران در کانون جغرافیای آن)، به بررسی چالش‌های امنیتی جنوب شرق ایران اقدام شده است. در این راستا، دو هدف مهم موردتوجه نویسندگان است. نخست، توجه و اهمیت منطقه‌گرایی و لزوم توجه به مناطق نوظهور رقابتی مانند مکران و جنوب شرق ایران. دوم، پرداخت به سطح چالش‌های امنیتی منطقه جنوب شرق ایران به‌عنوان یکی از کانون‌های رقابت مهم در بین قدرت‌های آسیایی و غربی (به‌ویژه ایالات متحده).

روش: پژوهش حاضر از نظر ماهیت در زمره پژوهش‌های نظری و از حیث هدف، در زمره تحقیقات تئوریک – کاربردی است که بر مبنای آن، روش‌شناسی نیز توصیفی – تحلیلی است، بر همین مبنا، از

استناد به این مقاله:
حسنوند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۴۰۴). نظام منطقه‌ای مکران و جنوب شرق ایران: ارزیابی چالش‌ها و مسائل. *پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا*. ۲. (۲). ۳۴۲-۲۹۵.

* نویسنده مسئول: E-mail address: Mozaffar.hasanvand@gmail.com

Copyright: © 2025 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

مبادی تئوریک مرتبط که توانایی توضیح چهار سطح مفهومی را داشته باشد و کاربست منسجمی داشته باشد، بهره گرفته است، چهار سطح مذکور عبارت‌اند از: ظهور مناطق جدید، چرخه‌ی انتقالی و گذار قدرت در نظام بین‌الملل، نقش‌یابی بازیگران منطقه‌ای در مناطق پیرامونی و بازشناسی چالش‌ها و آسیب‌های چندوجهی داخلی.

یافته‌ها: منطقه مکران (با تمرکز بر جنوب شرق ایران) ناحیه اصلی سکونت و استقرار قوم بلوچ است که شامل قلمرو به‌هم‌پیوسته‌ای شامل ایالت بلوچستان پاکستان، گوشه جنوب باختری افغانستان و ناحیه مشتمل بر جنوب شرقی ایران است که در سه عنصر قومیت، زبان و مذهب متفاوت از سایر نقاط مرکزی است.

در قیاس با شرایط دیگر ساکنان قوم بلوچ در پاکستان و هند، ساکنان ایرانی در وضعیت نامطلوب‌تری به‌ویژه در سطح اقتصادی و سیاسی (عدم سهیم‌سازی در ساختار قدرت) قرار دارند. وضعیت نامناسب توسعه انسانی و آموزش و فقدان کنشگران مدنی توانمند منجر به ازدست‌دادن ظرفیت‌ها و مقدورات ملی شده است. مروری بر شاخص‌های مختلف انسانی و رفاهی در همه زمینه‌ها نشانگر تفاوت فاحش این استان در قیاس با شهرهای دیگر است. وجود محرومیت‌های متعدد و آسیب‌های اجتماعی یکی از زمینه‌های بسیار پرمخاطره برای تشدید مشکلات امنیتی و رشد جریانات افراطی و خشونت‌گرا و نیز افزایش تجارت مواد مخدر و قاچاق کالا شده است. با انسداد مرزهای شمالی توسط ایران، ترانزیت مواد مخدر به سمت مناطق جنوب افغانستان منتقل شده است. بنابراین، این وضعیت سبب شده است تا منطقه جنوب شرق ایران، بیش از سایر مناطق کشور به‌عنوان گستره‌ای جغرافیای با امتیازات چون کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی سکنه به‌شدت تحت‌تأثیر ژئوپلیتیک مواد مخدر و معضلات و ناامنی‌های ناشی از آن قرار گیرد.

نتیجه‌گیری: بیشترین سهم جغرافیایی (سرزمینی و دریایی) در منطقه مکران از آن ایران است، ولی میزان نقش‌آفرینی کشور در مسائل کنونی و نیز الگوهای سامان‌یافته دوستی و دشمنی در سطح بسیار نازلی است و واقعیت بیانگر وجود ترتیبات و مناسبات چندلایه دو یا چندجانبه بین بازیگران منهای ایران است. نتایج نشانگر آن است که کمترین طرح و پروژه توسعه‌محور و عمرانی در این استان و منطقه اجرا شده است و در شرایطی که منطقه مکران می‌بایستی به بخش توانمند ایران در مسائل اقتصاد جهانی و مبدل‌شدن به بازیگری بزرگ در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود، در فقدان سیاست‌ورزی مناسب و سیاست‌های مقطعی و گاه ایدئولوژیک و عدم توزیع عادلانه بودجه عمومی کشور و عدم سهیم‌سازی سیاسی، محذورات بر مقدورات برتری یافته است و این منطقه به نقطه‌ی ضعف امنیت و اقتصاد ایران تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: نظام بین‌الملل، آسیا، مناطق، مکران، جنوب شرق ایران، توسعه.

سرآغاز

تحولات غیرقابل پیش‌بینی و سیستمی در عرصه سیاست بین‌الملل بیانگر تغییر در چرخه‌ی قدرت کنشگران بین‌المللی است و برای فهم و پیش‌بینی آن نیازمند بینش جدیدی برای تبیین تغییرات است. در این رابطه، مسائلی چون تغییر در چرخه‌ی قدرت را در ظهور بازیگران غیردولتی، گسترش اتحادها و افزایش قدرت منطقه‌ای کنشگران جزو مصادیقی هستند که حاکی از عدول از توجه به سیستم‌های کلاسیک قدرت است (Kissane, 2008: 1–13). مجموعه آسیا[1] به‌ویژه پاسیفیک[2] و مکران[3]، امروزه از کانونی‌ترین و پرتنش‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی جهان محسوب می‌شوند. در این بخش مجموعه اقیانوس آرام جزو مناطقی است که هم‌زمان با تجمیعی از چالش‌های سنتی و جدید است. اقیانوس آرام غربی به‌عنوان یکی از مناطق بسیار مورد مناقشه جهان در قرن بیست و یکم ظهور کرده است و شاهد رقابت شدید بین دو قدرت بزرگ ایالات‌متحده و چین است. این منطقه با شش کشور از ده ارتش بزرگ جهان و چهار کشور دارای قابلیت تسلیحات هسته‌ای، نظامی‌ترین منطقه در نظام بین‌الملل است. پویایی امنیتی در منطقه با تنش‌های سیاسی- دیپلماتیک، ایجاد زیرساخت‌های نظامی و وضعیت تهاجمی دریایی-هوایی کاملاً مشابه دوران جنگ سرد است. مرکز ثقل این رقابت، فضای بزرگ دریایی-ساحلی از هاوایی و گوام، از طریق زنجیره جزیره اول و دوم چین است که در نزدیکی ساحل چین در امتداد تنگه تایوان قرار دارد (Sakhuja & Prabhakar, 2022: 77). انجمن حاشیه اقیانوس هند (IORA)[4] اذعان می‌کند که این منطقه با چالش‌های ایمنی و امنیتی سنتی و جدید مواجه است که عبارت‌اند از: دزدی دریایی، سرقت‌های مسلحانه در دریا، تروریسم، قاچاق انسان، جابجایی غیرقانونی

1. Asia collection
2. Pacific
3. Makran
4. Indian Ocean Rim Association

افراد، قاچاق مواد مخدر، قاچاق غیرقانونی حیات‌وحش، مواجه است. قاچاق اسلحه، جرائم مرتبط با ماهیگیری، تخریب سلامت اقیانوس‌ها، بهره‌برداری غیرقانونی از منابع دریایی و تغییرات آب و هوایی با پیامدهای مرتبط با آن بر امنیت محیطی (Sakhuja & Prabhakar, 2022: 54).

با افول نظام دوقطبی و هژمونیک، مناطق نوین در دستور کار قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار گرفته است و این مهم ناشی از سه عامل اساسی است: اهمیت فزاینده منطقه‌گرایی نوین به‌عنوان کانونی برای دستیابی به اهداف اقتصادی و نظامی، امکانات فوق‌العاده‌ای که مناطق جدید در اختیار کنشگران گذاشته و نوعی استقلال عمل را در قبال قدرت‌های جهانی به وجود می‌آورد و آن‌ها را از تنگناهای استراتژیکی رها می‌سازد و نهایتاً، زمینه‌های دسترسی به سایر مناطق حیاتی دیگر فراهم آورده و یک کنشگر را در نقش‌های متعدد بین‌المللی قرار می‌دهد (صالحی و اسفندیاری، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۲). ظهور مناطق جدید از چند منظر قابل توجه است. نخست، صرفاً مسئله انرژی دال مرکزی اهمیت مناطق نیستند. دوم، کنشگران منطقه‌ای –حداقل در محیط پیرامونی و مجاور– دارای نقش فزاینده هستند و امکان حذف و انزوای آن‌ها به شکل سابق چندان ممکن نیست و درنتیجه الگوهای دوستی و دشمنی متعددی در حال شکل‌گیری است. سوم، تحت تأثیر ایجاد دنیای جدید، بازیگران متوسط و کوچک نیز به دنبال نقش‌آفرینی در مناطق جدید هستند (حسنوند، ۱۴۰۰: ۵۱).

در دهه اخیر با شکل‌گیری تحولات متعارض، تنش‌زا و پردامنه در مرزهای جغرافیایی شرق و جنوب شرق ایران ازجمله شکنندگی فرآیند دولت – ملت‌سازی در افغانستان و پاکستان و امنیتی شدن فضای منطقه‌ای با دخالت کنشگران منطقه‌ای و جهانی و تغییر در ماهیت بحران‌های امنیتی، افزایش سطح متغیر مذهبی و نقش بازیگران دولتی و غیردولتی منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در صفحه مرزهای شرق و جنوب شرق ایران وضعیت ناپایدار سیاسی و امنیتی را پدید آورده است که نیازمند توجهات بیشتر بیش از هر مقطع زمانی دیگر است تا بتواند آینده منافع راهبردی خود را از

تهدیدات مصون دارد و فرصت‌های نوینی برای نقش‌آفرینی خویش خلق کند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). بر اساس پژوهشی‌هایی که توسط معاونت مدیریت نظارت راهبردی ریاست جمهوری با عنوان «شناسایی نواحی کمتر توسعه‌یافته» و همچنین تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که استان تهران برخوردارترین استان، در تمام شهرستان‌های کشور و محروم‌ترین استان کشور، سیستان و بلوچستان است (شهیکی‌تاش و همکاران،۱۳۹۴: ۱۵-۳۰). همچنین، هیچ‌یک از شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان در ۳۵ شاخص در مؤلفه‌های آموزشی، اقتصادی - اجتماعی، اشتغال، بهداشتی، ارتباطات و جمعیتی، توسعه‌یافته کامل محسوب نمی‌شوند. به‌طوری‌که در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ فاصله سطح توسعه‌یافتگی و نابرابری بین استان تهران (توسعه‌یافته‌ترین) و استان سیستان و بلوچستان (محروم‌ترین) در مناطق شهری ۱۵۷/۳ درصد و در مناطق روستایی ۱۰۰/۸۸ درصد افزایش یافته است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱).

در همین راستا، در پژوهش حاضر با عنایت به پیوند موضوعی بین یافته‌های تئوریک جدید در سیستم نظام بین‌الملل به‌ویژه پس از ۲۰۰۷ و مهم‌تر از آن، پس از ۲۰۱۶، به‌واسطه پایان نظم سنتی به رهبری یک‌جانبه‌گرایی ایالات‌متحده و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جدید و اهمیت مناطق جدید برای رقابت‌های تازه به‌ویژه در آسیا و در محدوده مکران (و جنوب شرق ایران در کانون جغرافیای آن)، به بررسی چالش‌های امنیتی جنوب شرق ایران اقدام شده است. دراین‌ارتباط، در بخش نخست، به توضیح تحول در نظام جهانی اهمیت مناطقی مانند مکران و جنوب شرق، دوم، بررسی و ارزیابی چالش‌ها در جنوب شرق ایران مورد واکاوی و مداقه قرار می‌گیرد.

۱. ادبیات پژوهش

تحقیقات و پژوهش‌های متعددی در ارتباط با جنوب غرب آسیا و به‌ویژه در بحث منطقه مکران، جنوب شرق ایران و مسائل مرتبط با آن نظیر بندر چابهار و نقش این منطقه برای بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی به‌خصوص در مورد جایگاه آن در اتصال کشورهای آسیای مرکزی و غیره، نگاشته شده است. برای نمونه، *روشه*[1] (۲۰۱۲) نیات دولت ایران در دوران احمدی‌نژاد برای پیاده‌سازی طرح‌های توسعه را مورد بحث قرار داده است. یافته‌های *دپاک*[2] (۲۰۱۲)، *کک*[3] (۲۰۱۳)، *جیوتی*[4] (۲۰۱۳)، *ساچدوا*[5] (۲۰۱۶ آ) و (۲۰۱۶ ب)، *شانکر*[6] (۲۰۱۶)، *شعیب*[7] (۲۰۱۶) و *بهاتناگار* و *دیویا*[8] (۲۰۱۳) بیانگر اهمیت چابهار برای هند به جهت نقش‌آفرینی و حضور و نیز دسترسی به افغانستان و آسیای مرکزی هستند.

نتایج پژوهش ویسی (۱۴۰۲) بیانگر آن است که لازمه فعال‌سازی ظرفیت‌های مکران، انتخاب و اجرای آمایش سرزمین و راهبرد دریا گرایی است که نه‌تنها می‌تواند باعث تولید امنیت و توسعه در جنوب شرق ایران شود؛ بلکه می‌تواند باعث تقویت جایگاه و مناسبات بین‌المللی ایران، تولید قدرت، نجات و باز خیزی تمدن ایران شود که می‌توان از آن به‌عنوان «دروازه امید و توسعه ایران» یاد کرد. در همین ارتباط، *وریج کاظمی* (۱۳۹۹) و *خان‌زیب* (۲۰۱۹) با وجود برخی تمایزات بر نقش تروریسم در مرزهای شرقی ایران (با عنایت به تنش‌های تروریستی در پاکستان) بر این باورند که در مناطق جنوب شرق کشور بیشترین آسیب را ازلحاظ قاچاق مواد مخدر- انسان و پدیده

---

1. Roche
2. Dipak
3. Keck
4. Jyoti
5. Sachdeva
6. Shankar
7. Shoaib
8. Bhatnagar & Divya

تروریسم و افراط‌گرایی قومی–مذهبی به خود دیده است. از طرفی نیز، بحران فضاهای جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی و شکل‌گیری تنش‌های قومی– مذهبی، رشد بنیادگرایی و رادیکالیسم اسلامی و دخالت نیروهای فرا منطقه‌ای در پاکستان به‌طور مستقیم با امنیت منطقه جنوب شرق در ارتباط است. جدا از آن‌که وجود بسترهای زمینه‌ای خشونت زا و پرتنش در این منطقه وجود دارد، این مهم به دلیل مرزهای مشترک و سنتی با پاکستان نیز تشدید شده است. کشوری که در آن تروریسم و ساختار خشونت (ر.ک به: Khan Zeb & Shahab, 2019) در وجوه مختلف نهادینه‌شده و نتایج مستقیمی بر قومیت بلوچ ایران خواهد گذاشت.

نتایج تحقیق صالحی و اسفندیاری (۱۳۹۹) در «جنوب شرق؛ تشدید رقابت‌ها و راهبردهای بازدارندگی ایران» بیانگر آن است که در سیستم نوین بین‌الملل، به چند دلیل عمده نقش کنشگران و الگوهای رفتاری آن‌ها متحول شده است و منطقه مذکور، به مرکز تمرکز کنشگرانی نظیر چین، هند، پاکستان و ایالات‌متحده تبدیل شده و ایران تحت اجبار استراتژیک و برای تثبیت نقش منطقه‌ای و خود نیازمند توجه فزاینده به این مناطق است. همچنین، ایران با توجه به ماهیت تجدیدنظرطلبی و عدم امکان کاربست استراتژی سازش، اطمینان‌سازی و تدافعی را برگزیده است و حوزه مکران، بستر مساعدی برای بازدارندگی نوین در اشکال مختلف متعارف دفاعی و شبکه‌ای است. یافته‌های حسنوند (۱۴۰۳) در «منطقه مکران؛ کانون رقابت‌های جدید در آسیا» بیانگر آن است که ماهیت رقابت‌ها در منطقه‌ی مکران در قیاس با دیگر مناطق آسیا به‌شدت دگرگون شده است و عرصه و کانون رقابت کنشگران تجدیدنظرطلب و منطقه‌ای و بزرگ بین‌المللی شده است و الگوهای نوین دوستی و دشمنی در این منطقه نقش مهمی در ماهیت قدرت نظام بین‌الملل دارد.

کاظمی بیدختی و همکاران (۱۴۰۳) در بررسی عوامل مؤثر در ارتقای امنیت ملی ایران در چالش با تهدیدات منطقه جنوب شرق کشور معتقدند که آنچه در شرایط حاضر در منطقه جنوب شرق، می‌تواند ضامن برقراری امنیت شود اتکا بر اهمیت و

قدرت امنیت هوشمند مبتنی بر سه عنصر؛ ارتقای آگاهی‌های اجتماعی (از طریق نخبگان اجتماعی)، توسعه اقتصادی (از طریق توسعه زیرساخت‌های اقتصادی منطقه سواحل مکران)، توسعه تجارت مرزی و ایجاد امنیت مردم محور (تکیه تجربیات مبتنی بر نقش دادن به نخبگان اجتماعی، متنفذین و شاخصین قوم بلوچ) است و نهایتاً آنکه، تمرکز بر تولید امنیت نرم و رهایی از رویکرد قدرت سخت، بهترین روش برای تقویت امنیت و وحدت منطقه است. یافته‌های تحقیق مرتضایی و همکارن (۱۳۹۹) نیز نشان می‌دهد با وجود ظرفیت‌های بالقوه و متنوع گردشگری و اقتصادی در جنوب شرق ایران و فراتر از آن در منطقه مکران، دیپلماسی گردشگری در روابط ایران و همسایگان شرقی با چالش‌های متعدد مواجه است. این در حالی است که جامعه آماری بسیاری تمایل بالایی در بهره‌برداری از دیپلماسی گردشگری با محوریت منطقه مکران دارند که نتایج مثبتی بر شاخص تنش‌های سیاسی و امنیتی بین مرزی خواهد داشت.

پژوهش حاضر، با عنایت به بهره‌گیری از منابع فوق و دیگر متون و اطلاعات دیگر، در دو جهت کلی دارای تمایز و نوآوری است. نخست، پیوند بین یافته‌های تئوریک و تجربی جدید به‌ویژه در مورد اهمیت منطقه‌گرایی و لزوم توجه به مناطق نوظهور رقابتی مانند مکران و جنوب شرق ایران. دوم، پرداخت به سطح چالش‌های امنیتی منطقه جنوب شرق ایران به‌عنوان یکی از کانون‌های رقابت مهم در بین قدرت‌های آسیایی و غربی (به‌ویژه ایالات‌متحده).

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر ماهیت در زمره پژوهش‌های نظری و از حیث هدف، در زمره تحقیقات تئوریک- کاربردی است که بر مبنای آن، روش‌شناسی نیز توصیفی -تحلیلی است، بر همین مبنا، از مبادی تئوریک مرتبط که توانایی توضیح دهی چهار سطح مفهومی را داشته باشد و کاربست منسجمی داشته باشد، بهره گرفته است، چهار سطح

مذکور عبارت‌اند از: ظهور مناطق جدید، چرخه‌ی انتقالی و گذار قدرت در نظام بین‌الملل، نقش یابی بازیگران منطقه‌ای در مناطق پیرامونی و بازشناسی چالش‌ها و آسیب‌های چندوجهی داخلی. همچنین، شیوه گردآوری داده‌ها نیز کتابخانه‌ای، استفاده از مجلات، کتب معتبر و منابع اینترنتی است.

۳. کنکاشی تئوریک در مناطق جدید در ساخت انتقالی نظام بین‌الملل

مالاً هر منطقه جغرافیایی در ذیل ساخت منطقه‌ای خود قرار می‌گیرد و بر اساس شاخص‌ها و الگوهای متعدد تاریخی، فرهنگی، اقتصادی، قومیتی، اجتماعی و نظامی، جایگاه‌یابی پیدا می‌کند. *فلیپ آمور*[1] در تعریف نظم منطقه‌ای معتقد است که نظم منطقه‌ای یک سیستم منطقه‌ای از واحدهای سیستمی آن تشکیل شده است: بازیگران ستیزه‌جوی دولتی و غیردولتی و روابط تعاملی که آن‌ها در داخل و بین یکدیگر برقرار می‌کنند، مانند همکاری و تعامل امنیتی، بیگانگی، قطب‌بندی، رقابت، درگیری، جنگ و همچنین توازن ایده‌ای در چارچوب ترتیبات و شبکه‌های مشارکت. این نوع روابط منطقه‌ای شامل تعاملات مشارکتی و غیر مشارکتی و بی‌نظمی و همچنین قاعده‌های الگوهای تعاملی بین بازیگران است. وی سه بعد توضیحی را معرفی می‌کند که در جدول بعد مشاهده می‌شود.

آمور اضافه می‌کند که پویایی قدرت در قالب اتحاد، رقابت منطقه‌ای و فرایندهای سیاسی و همچنین ایده‌ها و ایدئولوژی‌های افراد درگیر، روایت‌های ملی و علل فراملی را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده و شکل می‌دهد. به‌طور مشابه، روابط سه‌بعدی موجود در سیستم منطقه‌ای هر دو جنبه داخلی و خارجی را در پی دارد. *آمور* شاخص‌های مهمی در توانایی و تقویت جایگاه یک نظم منطقه‌ای تأکید دارد و به عواملی چون

---

۱ . (Philipp Amour)؛ مورخ و استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه در موسسه خاورمیانه دانشگاه ساکاریا

ترکیب جمعیتی و میزان آن، جنبه‌های طبیعی، وجوه چندجانبه اقتصادی، نقش بازیگران دولتی و غیردولتی [و سیاست‌های منتج از آن] و چگونگی نگاه به منابع قدرت طبیعی و ملموس توجه دارد (Amour, 2020).

جدول ۱: ابعاد نظم منطقه‌ای از نگاه فلیپ آمور

ساختار و توزیع قدرت	مجموعه‌ای از اتحادهای سیستمی است و ممکن است با کل منطقه (تک‌قطبی / هژمون)، به دو زیرسیستم اتحاد (دوقطبی)، به سه بلوک قدرت (سه‌قطبی) یا چهار زیرسیستم قدرت و چند (قطبی) مطابقت داشته باشد.
الگوهای پویایی منطقه‌ای و فرایندهای سیاسی	شامل گزینه‌ها و رفتارهای امنیتی و واکنش خارجی است و تا حد زیادی به ویژگی‌های نظم منطقه‌ای (به‌عنوان‌مثال، فرهنگ‌های سیاسی غالب، مجموعه ایده‌ها و روایت‌ها در منطقه و میزان منطقه‌ای شدن آن) بستگی دارد، نوع رژیم بازیگران اصلی دولت (به‌عنوان‌مثال، ساختارهای سیاسی اقتدارگرا احتمالاً منجر به اقدامات پیشگیرانه و قاطعانه)، ایده‌ها و باورهای هنجاری تصمیم‌گیرندگان و نگرش‌ها و سیاست‌های قدرت‌های بزرگ بین‌المللی نسبت به پویایی منطقه‌ای می‌شوند.
علل فراملی	شامل ایده‌ها، ایدئولوژی‌ها و باورهای هنجاری است. ایده‌ها، به مفاهیم انتزاعی (به‌عنوان نمونه، هویت یا هرج‌ومرج) یا تصویر ذهنی از چگونگی وضعیت (به‌عنوان‌مثال، ایران یا عربستان سعودی به‌عنوان یک هژمون منطقه‌ای) اشاره دارد.

Resouce: Amour, 2020

کیلر[1] در چالش‌های منطقه‌گرایی برای حکمرانی جهانی[2]، معتقد است که نارضایتی از حکمرانی جهانی ایجاد شده از سوی دولت‌های قدرتمند منجر به [گسترش] ابتکارات منطقه‌ای شده است. نهادهای جهانی دارای عملکرد ضعیفی بوده و نمی‌توانند در

1. Kahler
2 .Regional Challenges to Global Governance

تصمیمات برابری را قبول کنند و در عملیات خود در شرایط محلی، حساسیتی ندارند. در این راستا، منطقه‌گرایی جدید دارای مزیت‌های متعددی است که عبارت‌اند از: بهره‌برداری از منابع مالی و سازمانی در تحقق اهداف بین‌المللی، تخصصی شدن تقسیم‌کار از منظر سازمانی، بهره‌گیری کارآمد از دانش محلی در مواردی مانند دریافت وام یا ایجاد صلح در قیاس با نمونه‌های جهانی (ر.ک به: حسنوند و اسفندیاری، ۱۳۹۷: ۴۱-۴۲) ایجاد بلوک‌ها و اتحادهای نظامی، اقتصادی و حتی فرهنگی، درجهٔ بالای استقلال کنشگران غیرهمسو با نظم موجود و غیره (kahler, 2016: 5-8). دو جنبه امنیت منطقه ای وجود دارد: دامنه و الگوهای تهدید و درگیری در منطقه؛ و درگیری اصلی که ممکن است تمامیت منطقه را تهدید کند. این دو کانون‌های مستقل ناامنی هستند که در محدوده تئوری RSC[1] به‌عنوان «مجموعه امنیتی منطقه‌ای» تعریف می‌شوند؛ بنابراین، تئوری RSC گروه‌های مختلف قابل‌شناسایی دولت‌ها را به‌عنوان «مجموعه‌های امنیتی» تعریف می‌کند، زیرا آن‌ها شرایط و رفتار امنیتی بین دولتی خاص، منطقه‌ای محدود و متقابلاً تأثیرگذار را به تصویر می‌کشند (Sakhuja & Prabhakar, 2022: 6). پویایی‌های امنیت منطقه‌ای و ساختارهای مدیریت آن‌ها - چه دوجانبه، چه چندجانبه یا چندجانبه- در سراسر جهان در جریان هستند. دولت‌ها تلاش می‌کنند به چندین چالش امنیتی هم‌زمان رسیدگی کنند. تعیین عمق و دامنه استقلال امنیتی قابل‌دستیابی و مطلوب در مقابل وابستگی متقابل با دوستان و دشمنان اجتناب‌ناپذیر است. بازیگران درحالی‌که تمرکز خود را بر روی مناطق حساس منطقه‌ای حفظ کرده، تلاش دارند تا خود را برای عصر رقابت سیستماتیک بین چین و ایالات‌متحده آماده کنند (Giegerich, Hokayem & Jagtiani, 2022:2).

بررسی چالش‌ها –در سطح عام- در هر یک از مناطق مختلف جهانی، ارتباط دوسویه‌ای با مسئله هویت و جغرافیای فرهنگی دارد و می‌توان به‌مثابه عناصر بینا ذهنی

1. Regional Security Complexes

در فرایند توسعه نقش بسیاری داشته باشد. به عبارتی، در بررسی منطقه‌گرایی، همه‌ی سطوح در پیوند چندلایه با هم قرار گرفته و آنچه وضعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و مناطقی چون مکران و خلیج‌فارس را از نظریات ژئوپلیتیک سنتی و پوزیتویستی تا حدی منفک می‌کند، جنبه ژئوکالچری و اهمیت هویت در ابعاد مختلف آن است که تأثیری مستقیم بر شکل‌گیری، پویایی و حیات یک منطقه دارد. جنبه جغرافیای فرهنگی از این منظر که با سیاست و اقتصاد قدرت‌ها (منطقه‌ای و جهانی) پیوند دارد، شاخصه ژئوپلیتیک نوین را تعریف می‌کند بدان معنا که فرهنگ و هویت در یک جغرافیای مشترک قدرتی تعیین‌کننده می‌یابند. هویت و جغرافیای فرهنگی می‌تواند الگو دهنده و شکل‌دهنده یک رژیم امنیتی منطقه‌ای و بین‌المللی گردد. کتزنشتاین[1] در مورد «هویت دسته‌جمعی» به‌عنوان عاملی تعیین‌کننده بیان می‌دارد که: زمینه‌های فرهنگی – نهادی فقط گستره عمل کنشگران را با ایجاد تغییر در انگیزه‌هایی که به منافعشان شکل می‌دهند، محدود نمی‌کنند، آن‌ها صرفاً رفتار را کنترل و تنظیم[2] نمی‌کنند، بلکه سهم بسزایی هم در قوام بخشیدن به همان کنشگرانی که به دنبال «کنترل و تنظیم» رفتار آن‌ها هستند، دارند. (کتزنشتاین، ۱۳۹۰: ۳۳). از منظر سازه انگارانی چون الکساندر ونت عواملی چون ژئوپلیتیک و دارا بودن تاریخ مشترک می‌توانند منجر به سامان و شکل‌گیری هویت مشترک شوند. این دو عنصر تأثیرات بسیاری بر همگرایی و عدم می‌تواند داشته باشند. عوامل ذهنی و فعال هویت جمعی نظیر شاخصه‌هایی چون وابستگی متقابل، سرنوشت مشترک، هماهنگی و خودکنترلی هستند. اگر این عوامل در یک منطقه افزایش یابند، بازیگران برای ایجاد یک اجتماع دوستانه [الگوهای دوستی] انگیزه پیدا خواهند کرد و منجر به این تلقی خواهد شد که مرزهای کنونی «خودی» به‌مرور از بین رود و «دیگری» را نیز در برگیرد (Rouhi Dehboneh,2011:173).

1. Katzenstein
2. to regulate

۴. آسیا و جایگاه‌یابی مناطق جدید؛ مطالعه‌ی موردی جنوب شرق ایران

۱-۴. محیط‌شناسی

جنوب خاوری ایران که عمدتاً ناظر بر گستره استان سیستان و بلوچستان است (کاویانی راد و سعادتی،۱۳۹۶: ۱۵۴)، با وسعتی در حدود ۳۴۶۷۵۱ کیلومترمربع، حدود یک‌پنجم وسعت جغرافیایی ایران را در برمی‌گیرد که با قرار گرفتن در بین عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۶ درجه و ۴۳ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ، از نظر جمعیتی طبق آمار سال ۱۳۹۰ با ۵۰۱۳۴۸۹ نفر جمعیت، از کم تراکم‌ترین مناطق کشور است (واثق و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴). حدود پیرامونی منطقه مورد بررسی شرق با ۱۲۱۰ کیلومتر مرز خشکی، از نقطه مرزی ملک سیاه کوه (مرز مشترک ایران، افغانستان و پاکستان) در امتداد نوار مرزی ایران و پاکستان تا خلیج گواتر امتداد داشته و حد جنوبی آن از خلیج گواتر در امتداد سواحل شمالی دریای عمان تا شرق بندرعباس و حد غربی آن از شمال شرقی بندرعباس تا بافت و کرمان و حد شمالی نیز از کرمان به سمت نواحی جنوبی خراسان جنوبی و درنهایت به نقطه مرزی ملک سیاه کوه منتهی می‌شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳).

مکران[1] منطقه‌ای است که حدود ۱۵۰۰ کیلومتر خطوط ساحلی در امتداد دریای عمان و اقیانوس هند را داراست. ساحل آن از منطقه آلکوه[2] در شمال بندر مینا شروع و تا مرز ایران و پاکستان در خلیج گواتر[3] تا منطقه لسبلا[4] که در شمال بندر کراچی امتداد دارد. شهرهای بندری کراچی و بندرعباس دو خط انتهایی سواحل مکران هستند (Mollazehi, 2016). در تصویر شماره ۱، محدوده منطقه مکران آمده است:

---

1. Makran
2. Alkouh
3. Gwater
4. Lasbela

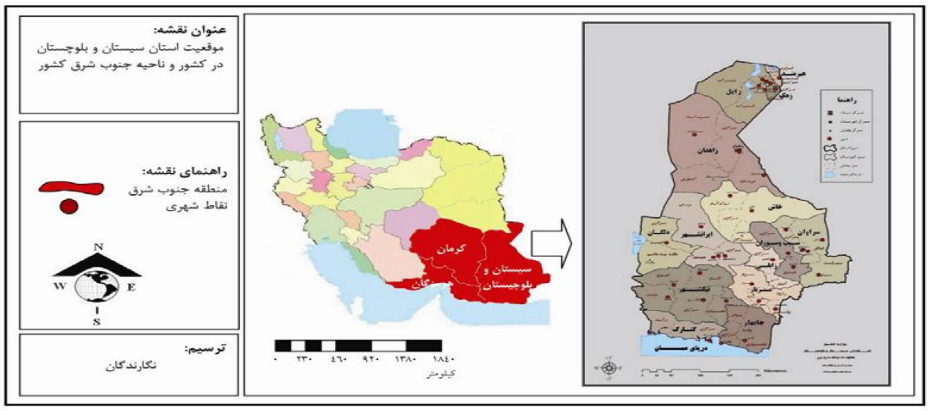

تصویر ۱: نقشه موقعیت جغرافیایی منطقه جنوب شرقی ایران

(ابراهیم‌زاده، ۱۳۹۵: ۹)

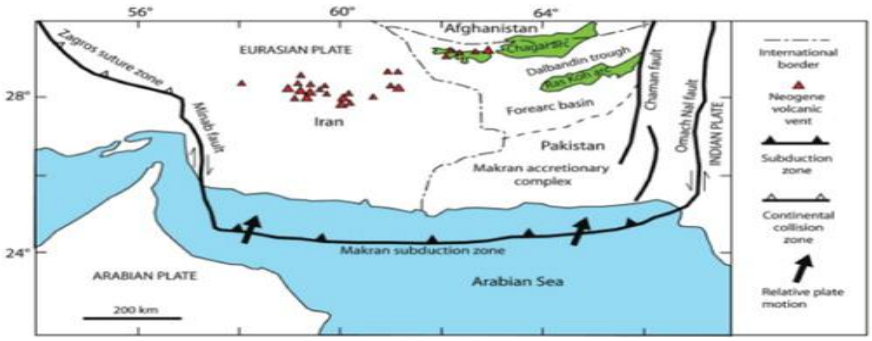

تصویر ۲: محدوده مکران (Sarker, 2018: 3)

۲-۴. جغرافیای انسانی؛ توسعه نامتوازن منطقه‌ای (وضعیت بحرانی جنوب شرق)

بعد بزرگ مسافت میان بلوچستان با سایر نواحی کشور، وجود دشت‌های لوت و کویر نمک که ۱/۴ مساحت کشور را تشکیل می‌دهند و میان بلوچستان و استان‌های شمالی و مرکزی فاصله انداخته است. اندک بودن سکونت‌گاه‌ها میان استان سیستان و بلوچستان و استان‌های هم‌جوار، عملاً موجبات انزوای جغرافیایی بلوچ‌ها را فراهم آورده است. بدین ترتیب، درحالی‌که زاهدان میان ۳۳ مرکز استانی، بیشترین فاصله را با مرکز سیاسی کشور (۱۶۰۵ کیلومتر) دارد. چابهار و کنارک نیز دورترین شهرستان کشور به تهران

هستند. همچنین، متوسط فاصله سکونت‌گاه‌ها در استان،۶ کیلومتر است که سه برابر متوسط ملی است. درواقع بلوچ‌ها حتی در بلوچستان نیز انزوای جغرافیایی را لمس می‌کنند (ایزدی و دبیری،۱۳۹۲: ۱۰۴).

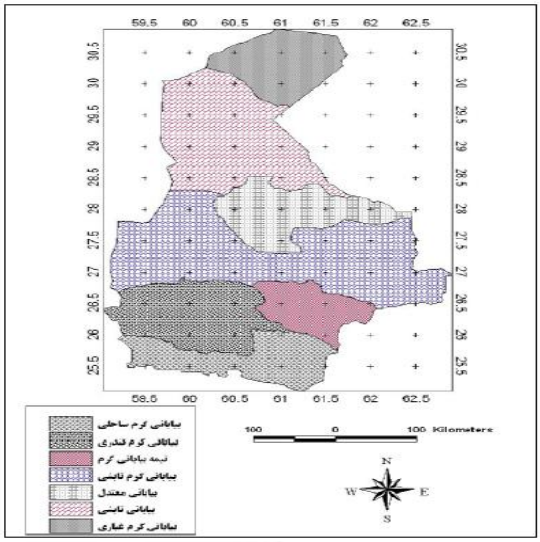

تصویر ۳: پهنه‌بندی اقلیمی سیستان و بلوچستان (سلیقه و همکاران،۱۳۸۷: ۱۱۴)

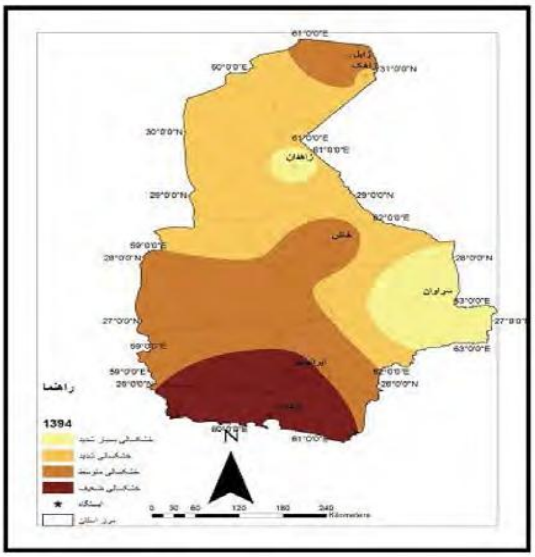

تصویر ۴: پهنه‌بندی خشک‌سالی در سیستان‌و بلوچستان در سال ۱۳۹۴ (مظفری و همکاران،۱۳۹۴: ۱۱۱)

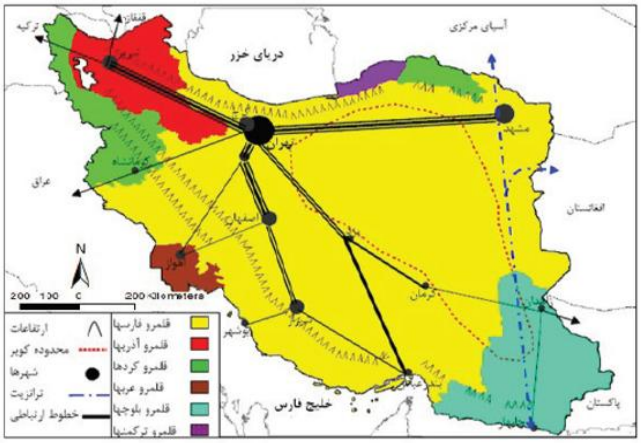

تصویر ۵: ساختار شبکه ارتباطی در ایران

(ویسی و مهمان‌دوست،۱۳۹۲: ۲۲۴)

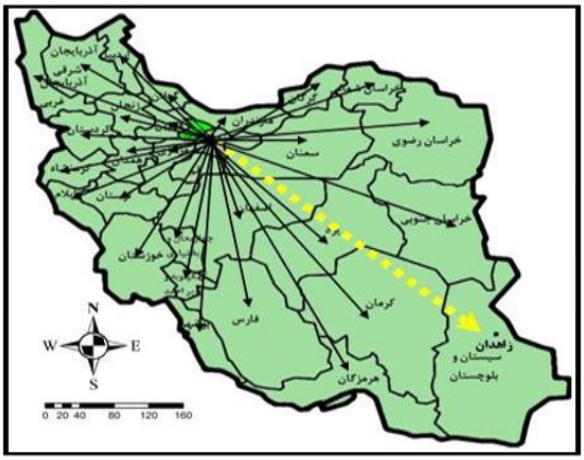

تصویر ۶: اهمیت سیاسی فاصله جغرافیایی

(ایزدی و همکاران،۱۳۹۲: ۱۰۵)

بررسی شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضایی حاکی از آن است که ایران، دارای ساختار فضایی مرکز – پیرامون هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است و مهم‌تر آنکه، این نواحی پیرامونی، اکثراً منطبق بر

نواحی قومی- مذهبی است. بدین ترتیب، چنین شرایط ساختاری منجر به افزایش تمایزات و بر هم خوردن تعادل و توازن منطقه‌ای بین مرکز و پیرامون و تقویت عامل واگرایی شده است (طاعت و موسوی،۱۳۹۰: ۷۱-۷۲). در همین راستا، برخی مطالعات انجام شده طی چند دهه اخیر عدم تعادل و شکاف نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور را بین ۳ و یا حتی بیشتر از ۱۰ برابر دانسته و اعلام می‌کنند که در توسعه کشور الگوی مرکز- پیرامون حاکمیت شدیدی دارد، به‌طوری‌که بیشتر شهرستان‌های عقب‌مانده در نواحی حاشیه‌ای و مرزی کشور واقع شده‌اند (ایزدی و دبیری،۱۳۹۱: ۱۰۶ و ابراهیم‌زاده و همکاران،۱۳۹۱: ۲۳۵-۲۱۴).

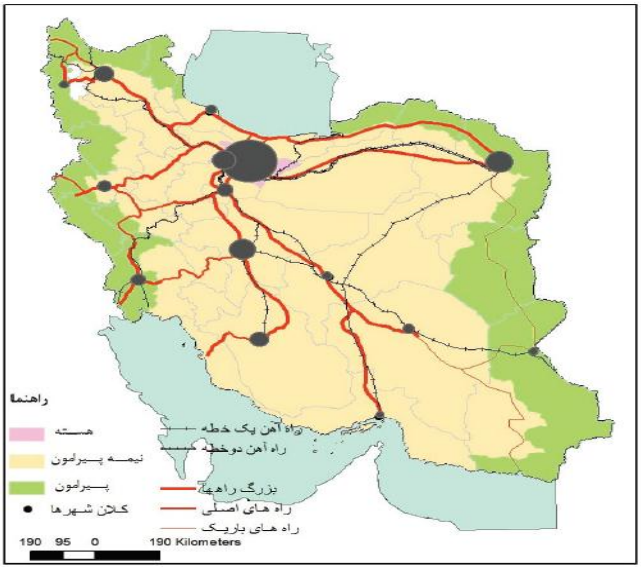

تصویر ۷: ساختار فضایی مرکز – پیرامون در ایران
(ویسی و مهمان‌دوست، ۱۳۹۲: ۲۲۲)

وضعیت نامتوازن منطقه‌ای فاحشی در ایران وجود دارد و بر اساس، نابرابری‌های منطقه‌ای در کشور باید گفت، درجه توسعه‌یافتگی در مناطق مرزی ۵۷/ و مناطق مرکزی ۱۶۹/

است؛ و نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و مرزی بسیار بالا بوده و این نسبت معادل ۱/۶ است. به عبارتی، مناطق مرکزی در ایران حدود ۳ برابر بیشتر از مناطق مرزی توسعه‌یافته‌تر است و میزان نابرابری‌های درون منطقه‌ای مناطق مرزی ۱/۰۸ و مناطق مرکزی ۱/۴۳ است که نشانگر نابرابری و عدم تجانس و واگرایی بین استان‌های کشور است (اخباری و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس تمرکز بر یافته‌های خضری و همکاران (۱۳۹۶)، یافته‌های مطالعات رسمی مرتبط با وضعیت توسعه نامتوازن کشور مانند اسناد بالادستی[1]، مطالعات وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در مورد خط فقر و درصد خانوارهای فقیر در ایران، مطالعات رتبه‌بندی استان‌های کشور به لحاظ سطح توسعه در دوره زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ و نتایج یافته‌های پژوهش مهندسین مشاور جهان پارس (۱۳۹۵) باید گفت، تداوم ناموزونی در توسعه مناطق مختلف کشور وجود دارد و که منجر افزایش نگرانی‌های جدی در مورد وضعیت یکپارچگی اجتماعی، شکنندگی اقتصاد ملی و مخاطرات حاصله بر امنیت ملی شده است.

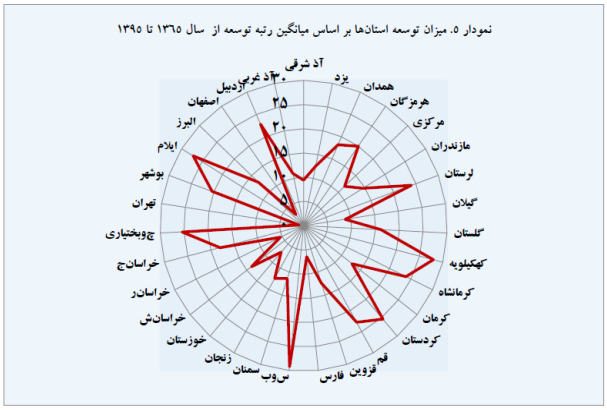

نمودار ۱: میزان توسعه استان‌ها بر اساس میانگین رتبه توسعه از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ (خلیلی،۱۳۹۶: ۱۵۲)

---

۱ – اسنادی چون قانون اساسی، سیاست‌های ابلاغی آمایش سرزمین، سند چشم‌انداز توسعه و برنامه‌های ۵ ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و...

جدول ۲: سطح توسعه استان‌ها مختلف کشور (رحیمی،۱۳۹۶: ۹۷)

میزان توسعه	درجه توسعه	استان
توسعه‌یافته	۰,۳۳۲ و کمتر	تهران
نسبتاً توسعه‌یافته	۰,۳۳۳ تا ۰,۶۰۱	سمنان، اصفهان، یزد، مازندران
توسعه میانی	۰,۶۰۲ تا ۰,۷۰۳	قزوین، خراسان رضوی، گیلان، مرکزی، قم، آذربایجان شرقی، فارس
توسعه‌نیافته	۰,۷۰٤ تا ۰,۸۵۱	کردستان، آذربایجان غربی و سایر استان‌ها
محروم	بیش‌تر از ۰,۸۵۲	سیستان و بلوچستان

اما در حوزه مباحث توسعه انسانی و درآمد سرانه نیز وضعیت قابل‌تأملی در کشور حاکم است. بدین ترتیب که در زمینه توسعه انسانی، ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور نشان می‌دهند که میانگین شاخص آموزش در مناطق شهری ۰/۸۰۶، شاخص استاندارد زندگی، شاخص سلامت و شاخص ترکیبی توسعه انسانی ۰/۷۰۱ است. مطلوب‌ترین شاخص توسعه انسانی به ترتیب مربوط به مناطق شهری استان‌های تهران با ۷۵۶ /۰، اصفهان با ۷۵۲ /۰ و قزوین با ۷۵۰ /۰ است. نامطلوب‌ترین وضعیت این شاخص به ترتیب مربوط به مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان با ۶۲۸ /۰، کردستان ۶۳۲ /۰ و آذربایجان غربی با ۷۵۰ /۰ است (زنگنه، ۱۳۹۵: ۱۵۵). نتایج پژوهش‌ها در این زمینه حاکی از آن است که در سه شاخص آموزش، تولید ناخالص سرانه، امید به زندگی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی مناطق شهری استان سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی نامطلوب‌ترین وضعیت و مناطق شهری تهران، اصفهان و قزوین مطلوب‌ترین وضعیت را دارا بوده‌اند. بدین ترتیب، دسته‌بندی مناطق شهری استان‌ها بر اساس شاخص توسعه انسانی حاکی از آن است که رده بسیار محروم منطبق بر استان‌های مرزی و رده استان‌هایی که مطلوب‌ترین

وضعیت را دارا هستند، مربوط به مناطقی که اغلب در مرکز کشور واقع شده‌اند. درمجموع نابرابری شدیدی بین مناطق شهری کشور مشاهده می‌شود و این نابرابری در شاخص استاندارد زندگی بیشتر از دو شاخص دیگر است (ر.ک، به: زنگنه،۱۳۹۵: ۱۵۳–۱۵۸ و افراخته،۱۳۹۶: ۶۱– ۷۷).

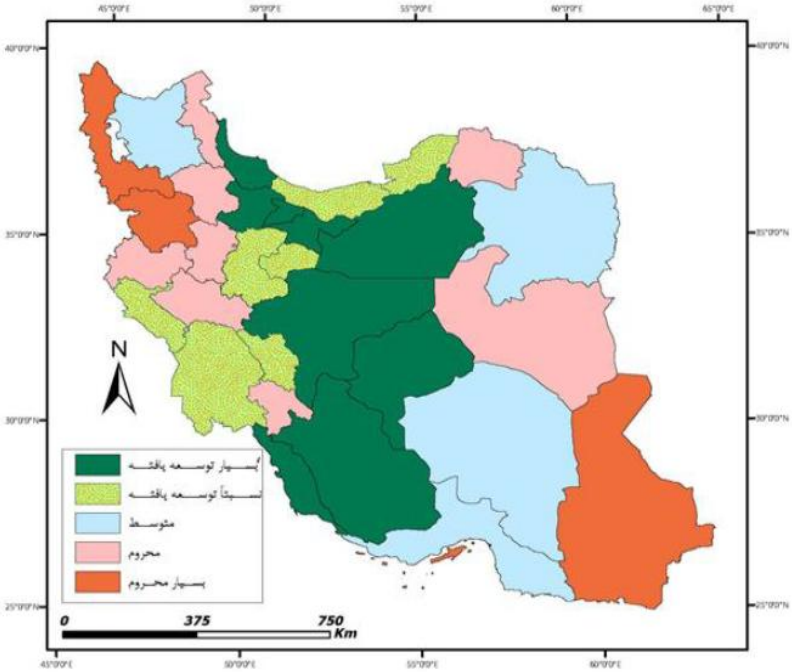

تصویر ۸: طبقه‌بندی شاخص توسعه انسانی در مناطق شهری کشور (زنگنه، ۱۳۹۵: ۱۵۷)

جدول ۳: طبقه‌بندی کلی مناطق شهری استان‌ها ازلحاظ برخورداری از شاخص توسعه انسانی (زنگنه، ۱۳۹۵: ۱۵۷)

گروه	فاصلهٔ طبقات	درجهٔ برخورداری	نام استان‌ها	تعداد	درصد
۱	+۰/۷۳۲	برخوردار	تهران، اصفهان، قزوین، گیلان، البرز، فارس، یزد، بوشهر، سمنان	۹	۲۹
۲	۰/۷۳۱ _ ۰/۷۰۶	نسبتاً برخوردار	خوزستان، مازندران، مرکزی، قم، چهارمحال و بختیاری، ایلام، گلستان	۷	۲۲/۶
۳	۰/۷۰۵ _ ۰/۶۸۰	متوسط	خراسان رضوی، کرمان، هرمزگان، آذربایجان غربی	٤	۱۳
٤	۰/۶۷۹ _ ۰/۶۵٤	محروم	زنجان، همدان، کرمانشاه، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، کهگیلویه و بویراحمد، اردبیل، لرستان	۸	۲۵/۸
۵	+ ۰/۶۵۳	بسیار محروم	آذربایجان غربی، کردستان، سیستان و بلوچستان	۳	۹/۶

در زمینه درآمدهای سرانه نیز مجیدی و همکاران در تحقیقی با عنوان «بررسی همگرایی درآمدی و رفاه بین استان‌ها ایران با استفاده از تحلیل خوشه‌ای در دوره زمانی ۱۳۷۹-۹۳» به این مسئله پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نیز حکایت از سطح واگرایی شدید درآمد و مصرف سرانه میان تمام استان‌های توسعه‌نیافته و اکثر توسعه‌یافته دارد. به‌طوری‌که در این خصوص در استان‌های توسعه‌نیافته به‌مانند سیستان و بلوچستان، کردستان و ایلام هیچ خوشه‌ای که در آن، درآمد و یا مصرف سرانه در خوشه موردنظر همگرا باشد، مشاهده نمی‌شود (مجیدی و همکاران،۱۳۹۶: ۴۵-۶۸).

نمودار ۲: مسیر انتقال نسبی درآمد سرانه بین استان‌های توسعه‌یافته در ۱۳۹۲-۱۳۷۹

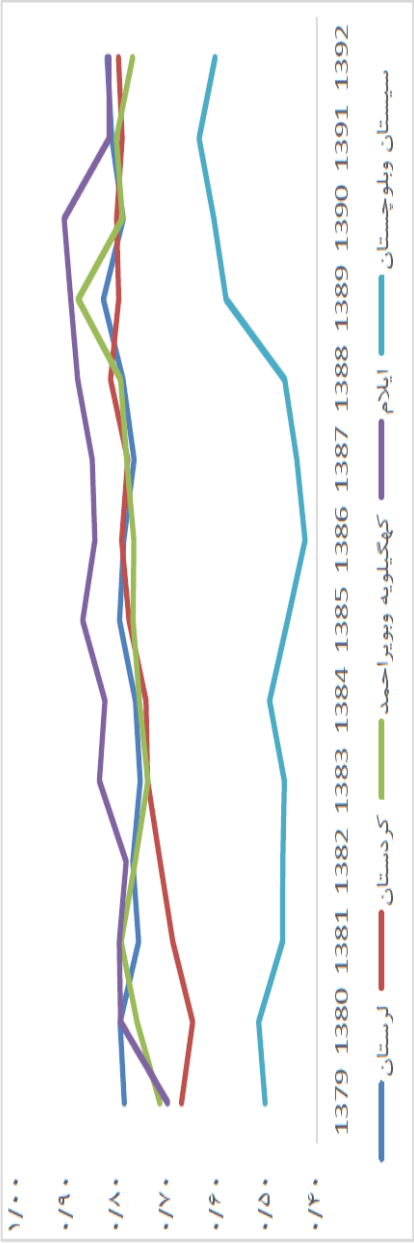

نمودار ۳: مسیر انتقال نسبی درآمد سرانه بین استان‌های توسعه‌نیافته در ۱۳۹۲-۱۳۷۹

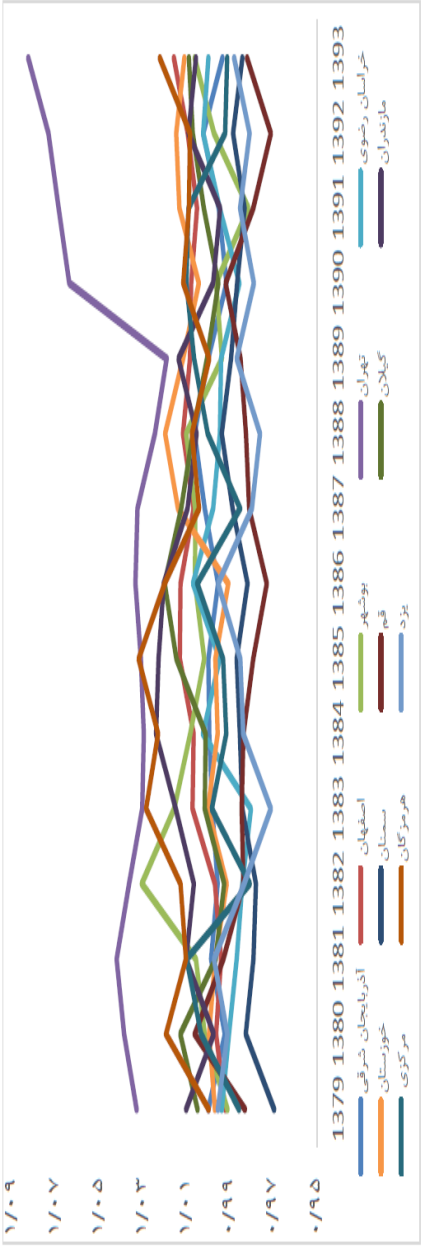

نمودار ۴: مسیر انتقال نسبی مصرف سرانه بین استان‌های توسعه‌یافته و درحال‌توسعه در ۱۳۹۲-۱۳۷۹

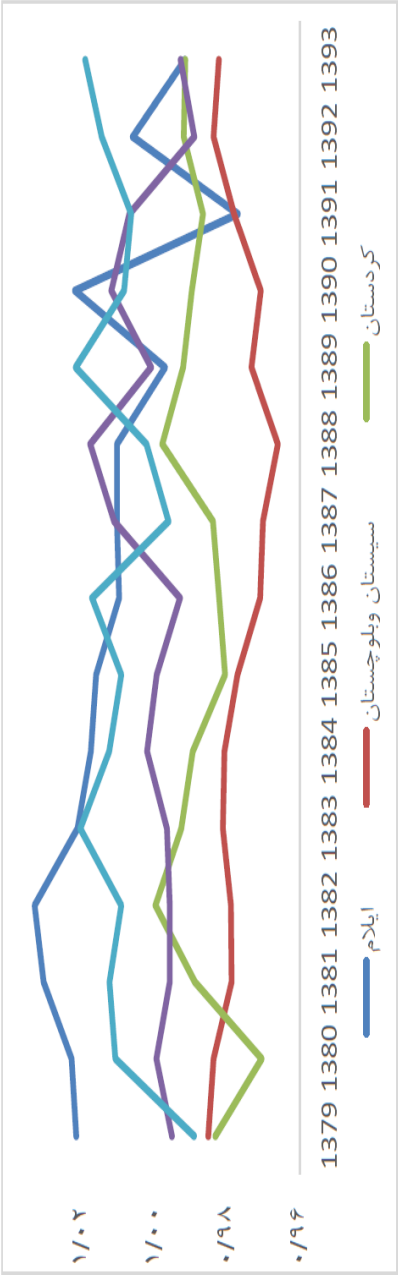

نمودار ۵: مسیر انتقال نسبی مصرف سرانه بین استان‌های توسعه‌نیافته در ۹۲-۱۳۷۹

منبع: مجیدی و همکاران: ۱۳۹۶: ۶۵-۶

در تحلیل نظام شهری جنوب شرق کشور نیز بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که در ایران، سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان گزینی‌های صنعتی و خدماتی در قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در تک شهرهای مسلط و مادر شهرهای ناحیه‌ای، موجبات اصلی نابرابری ناحیه‌ای بوده است و این وضعیت ایران را با مشکلات و چالش‌های قابل‌توجهی در زمینه آمایش سرزمین[1] مواجه ساخته است. در این راستا، یکی از نمودهای آمایش نامطلوب سرزمین در این منطقه، قطبی شدن جمعیت و پراکندگی نامتوازن آن است که خود شبکه شهری آن را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این عدم تعادل سلسله‌مراتب شهری، یکی از مشخصه‌های اصلی و بارز نظام شهری در منطقه جنوب شرق[2] است که سبب عدم برخورداری شهرهای کوچک از امکانات و زیرساخت‌های لازم شده است (شهدادی و همکاران،۱۳۹۹: ۱۶-۱). بدین ترتیب، وجود چنین شاخص‌های آماری عدم تعادل منطقه‌ای در ایران، آثار و عواقب زیان‌بار فراوانی برای کشور به دنبال دارد، که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به افزایش بسترهای نارضایتی‌های اقتصادی- اجتماعی، ادامه روند مهاجرت، افزایش فرآیند واگرایی و مرکزگریزی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، عدم بهبودی در وضع اشتغال و ادامه روند بیکاری، توزیع نامتوازن جمعیت و تخلیه بخش‌های وسیعی مناطق مرزی کشور، به‌ویژه مهم‌ترین این مناطق- یعنی منطقه جنوب شرق کشور- اشاره کرد.[3] که این عوامل به‌طور طبیعی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری پیامدهای امنیتی

---

۱. در یک برداشت کلی می‌توان آمایش سرزمین را نوعی استراتژی و طرح کلان مدیریت و سازمان‌دهی بهینه و مطلوب یک سرزمین با هدف نیل به توازن و توسعه پایدار آن قلمداد کرد.

۲. طبق ماده ۷۷ در برنامه چهارم، در اسفند ۱۳۸۹ طی مصوبه‌ای، منطقه بندی جدید آمایشی کشور اعلام شد. بر این اساس، سه استان سیستان و بلوچستان، کرمان و هرمزگان «منطقه جنوب شرق کشور» را تشکیل دادند.

۳. برای اطلاعات بیشتر در زمینه توسعه نامتوازن منطقه‌ای در ایران رجوع شود به: مهرگان، نادر و دلیری، حسن (۱۳۹۴). «بررسی ارتباط میان سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در استان‌های ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی* (رشد و توسعه اقتصادی)، ۱۵ (۲) /. خلیلی، رضا (۱۳۹۶). «امنیت و توسعه؛ رویکردی ژئوپلیتیکی به

جدی برای کشور باشد (ایزدی و دبیری،۱۳۹۱: ۱۰۶ و کاویانی‌راد و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶۹-۱۸۸). درواقع، امنیت و توسعه در مناطق مرزی و حاشیه‌ای (ازجمله آن در منطقه جنوب شرق) با ضریب همبستگی بالا دارای رابطه‌ای مستقیم و دوسویه با یکدیگر می‌باشند؛ به‌عبارت‌دیگر، توسعه و امنیت تأثیرات متقابلی بر هم دارند، به‌گونه‌ای که هر اقدامی در فرآیند تحقق توسعه، تأثیرهای مستقیمی بر فرآیند تحقق امنیت می‌گذارد و بالعکس (ایزدی و دبیری،۱۳۹۱: ۱۰۷).

۳-۴. تمایز قومی- مذهبی و پتانسیل‌های بالقوه رادیکالیسم (سطح خرد)

گروه‌های قومی مستقر در نوار مرزی، دارای دنباله‌های قومی در آن سوی مرزهای کشور هستند. این وضعیت، شرایط ویژه‌ای را در روابط قومی و گاهاً مذهبی با حکومت مرکزی به‌صورت مسئله‌ای دغدغه آمیز شکل داده است (اخباری و دیگران،۱۳۹۴: ۳۴) و از سوی، پتانسیل‌های لازم را برای شکل‌گیری دیدگاه‌های متعدد ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب، جهت مبدل کردن اقدامات اقوام معترض و واگرا به یک کد ژئوپلیتیکی را فراهم کرده است. ازاین‌رو، این مهم، سبب تا بخش بزرگی از مسائل ژئوپلیتیکی و چالش‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایران، به‌ویژه در دوران معاصر ناشی از این شرایط باشد (ضرغامی و انصاری زاده،۱۳۹۱: ۹۵).

توسعه و توازن در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰ (۴). /. رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶). «استراتژی ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۰ (۴).

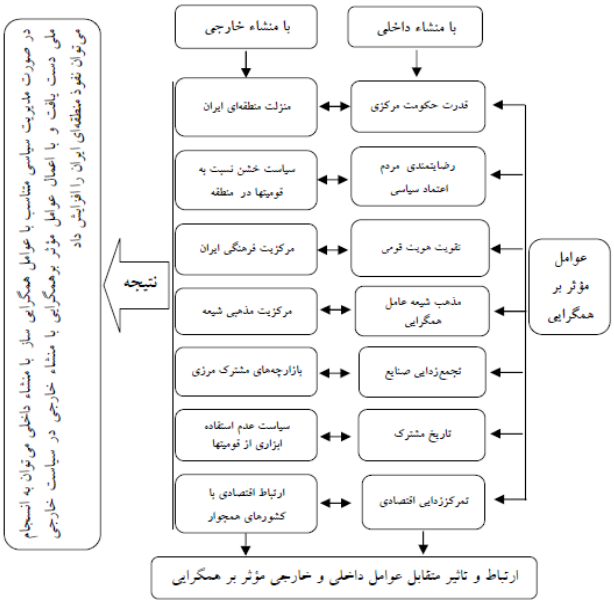

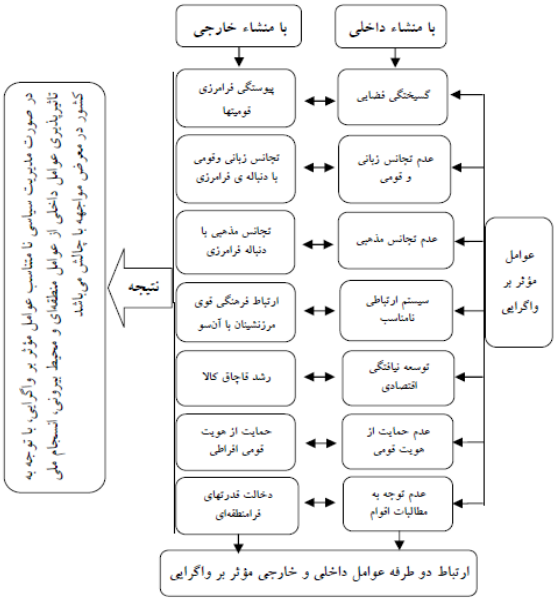

نمودار ۶: عوامل مؤثر بر همگرایی و واگرایی قومی در ایران با منشأ داخلی و خارجی

اعظمی و حیدری، ۱۳۹۴: ۸۹

منطقه مکران (با تمرکز بر جنوب شرق ایران) ناحیه اصلی سکونت و استقرار قوم بلوچ است که شامل قلمرو به هم پیوسته‌ای شامل ایالت بلوچستان پاکستان، گوشه جنوب باختری افغانستان و ناحیه مشتمل بر جنوب شرقی ایران است که در سه عنصر قومیت، زبان و مذهب متفاوت از سایر نقاط مرکزی است (احمدی،۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۷). در قیاس با شرایط دیگر ساکنان قوم بلوچ در پاکستان و هند، ساکنان ایرانی در وضعیت نامطلوب‌تری به‌ویژه در سطح اقتصادی و سیاسی (عدم سهیم سازی در ساختار قدرت) قرار دارند. این مهم در شرایطی است که این منطقه یکی از کانون‌های اصلی رقابت جهانی و دروازه اصلی تجارت بین‌المللی دریایی و یکی از مناسب‌ترین مسیرهای ارتباطی بالأخص در زمینه انرژی است.

در همین رابطه، جنوب شرق ایران به‌واسطه محرومیت‌های بسیار در سطح توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از پر چالش‌ترین و مهم‌ترین مناطق به‌ویژه در تشدید تروریسم (ر.ک به: Iran International, April 3, 2024) و تجزیه –به‌واسطه نقش بازیگران عربی و غربی- است. منطقه بلوچستان، کانون بالقوه برای رشد تروریسم است و از آنجا که هیچ کنش و تحولی در خلأ شکل نمی‌گیرد و فقدان ملاحظات امنیتی، کاهش سرمایه اجتماعی و سطح وخیم اقتصادی و معیشتی (حتی در امور ابتدایی) منجر به شکنندگی عمیق در تمام سطوح در این ناحیه شده است. درواقع، منطقه مذکور جزو نواحی است که به‌واسطه ناهمگونی‌های قومی، زبانی، مذهبی و نیز سطح پایین بهره‌مندی، شاخصه‌ها و مؤلفه‌های لازم، بستری برای رشد افراط‌گرایی [و خشونت] است (کاویانی‌راد و همکاران،۱۳۹۵: ۱)، از این رو، این عوامل واگرایی سنتی قوم بلوچ شامل قومیت، مذهب، زبان و انزوای جغرافیایی، در کنار توسعه اقتصادی ضعیف و احساس محرومیت، عدم مشارکت قوم بلوچ در مدیریت سیاسی فضای سرزمینی خود و... واگرایی هر چه بیشتر قوم بلوچ را از حکومت مرکزی شدت بخشیده است و سبب شده است تا این منطقه جزء منطقه بحرانی بالقوه درجه یک محسوب شود (پیشگاهی فرد و امیدی آوج،

۱۳۸۸: ۵۷). علاوه بر این‌ها، پس از انقلاب اسلامی و با حاکمیت دیدگاه مذهبی در کشور ایران با تأکید بر تشیع، تشدید قرائت مرزبندی با اهل سنت به‌ویژه پس از پایان جنگ و به‌موازات آن اوج‌گیری جریان بنیادگرایی سنی در کشورهای همسایه شرقی، بی‌اعتمادی بین نظام و مردم و بین اقوام و مذاهب در بین بلوچ‌ها فزونی گرفت. پیامد این بی‌اعتمادی‌ها و مرزبندی‌ها، احساس تحقیر و تضعیف بوده و درنتیجه شکاف‌های اجتماعی آن هم حول قومیت و مذهب بیش از پیش شدت یافته است[۱]. بنابراین، شهرهای شرقی و جنوب شرقی ایران، با نزدیکی به مرزهای ملی و قومی، هرگز در امنیت کامل نبوده و ناامنی و تهدید (به‌طور آشکار و پنهان) از عوارض و ویژگی‌های ثابت آن بوده است و این امر موجب شده که ناحیه پراکندگی قوم بلوچ به‌طور نسبی منطبق با ناحیه بحران خفیف و دائمی در کشور باشد. این شرایط، فضایی پرتنش را فراهم آورده، که موجب سوءاستفاده اشرار و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در منطقه می‌شود (ایزدی و دبیری،۱۳۹۲: ۱۱۰-۱۱۱).

---

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: حافظ نیا، محمدرضا و حسینی، سلمان و احمدی پور، زهرا (۱۳۹۲). «سیاست دولت و مناسبت‌های بین قومی (قوم بلوچ و سیستانی)»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا*، ۲: ۱۹-۱ / علی پور، عباس و صفوی، سید یحیی و محمدحسینی، مسعود (۱۳۹۰). «سنجش تطبیقی ریشه‌ها و عوامل بروز بحران‌های قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، ۳۴: ۱۴۲-۱۲۱. / باغبانی، غلامرضا و همکاران (۱۳۹۹). «تبیین الگوی بحران اجتماعی با رویکرد امنیتی: استان سیستان و بلوچستان»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲: ۱۱۷-۸۸.

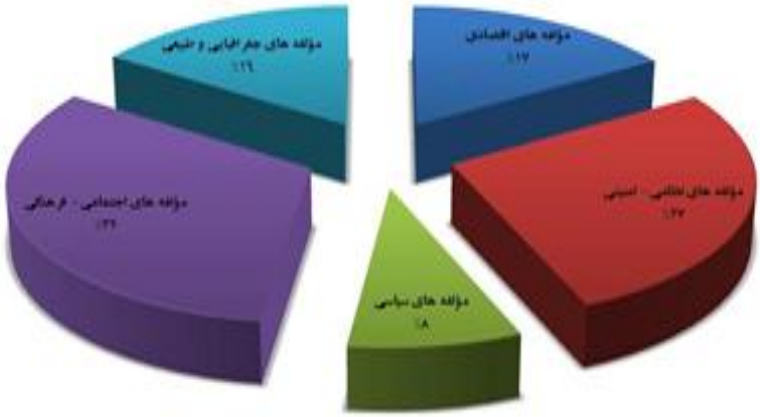

نمودار ۷: نقش مؤلفه‌های مختلف در تهدیدات منطقه جنوب شرقی ایران
(محمدحسینی و علی پور، ۱۳۹۱: ۱۸۹)

۴-۴. هیدروپلیتیک[۱] هیرمند[۲] و مواد مخدر

گرچه سال‌های زیادی است که موجودیت مرزهای بین‌المللی میان ایران و افغانستان مورد پذیرش دو همسایه قرار دارد، لیکن مسائل حساس حقوقی مربوط به این رودخانه بین‌المللی علیرغم سپرده شدن آن به چندین با داوری و انعقاد قراردادهای متعددی بین دو کشور در مورد تعیین حقآبه خود از هیرمند و سایر حقوق مرتبط با آن، با گذشت متجاوز از یک‌صد سال و تغییرات فراوان شرایط سیاسی طی این مدت، تاکنون به‌طورقطع هنوز نیز حل نشده است (فولر،۱۳۹۰: ۲۵۷). از طرفی با روی کار آمدن

---

۱. Hydro Politics : ازجمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی است که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه رجوع شود به: مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۲). «هیدروپلیتیک ایران؛ جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۳. عراقچی، عباس (۱۳۹۳). «دیپلماسی آب، از منازعه تا همکاری»، *سیاست جهانی*، ۳ (۴): ۱۱۹-۹۱/ کاویانی راد، مراد و همکاران (۱۳۹۸). «واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۵۹-۲۳.

۲ . هیرمند: کلمه هیر در فارسی باستان به معنای آب و پسوند مند به معنای دارندگی و فراوانی یعنی «رود سرشار از آب» است (اسلامی و همکاران،۱۳۹۸: ۷۸)؛

طالبان تحت دلایل متعدد به‌ویژه وجود برخی جریانات مخالف همزیستی با ایران و برجسته کردن سیاست ناسیونالیستی مبتنی بر قومیت افغان، مسئله رودخانه هیرمند به یکی از چالش‌های جدی مبدل شده است و علیرغم وعده‌های متعدد رهبران طالبان، در عمل مسئله به روال عادی خود برنگشته است.

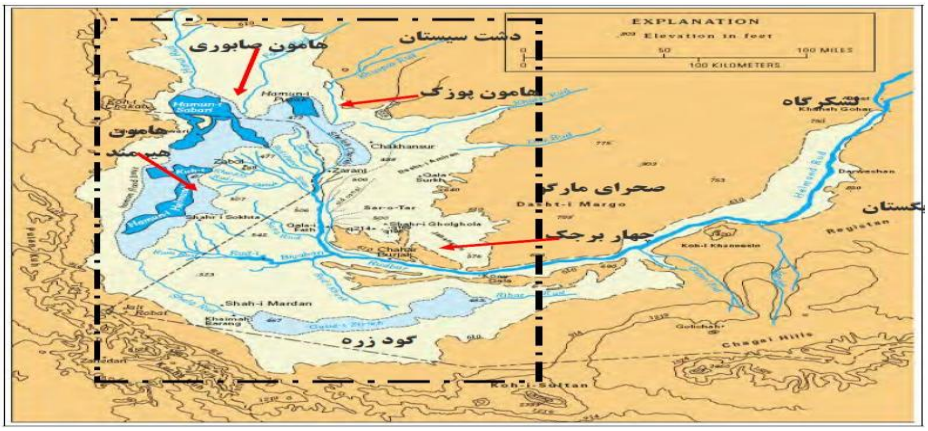

تصویر ۹: وضعیت جغرافیایی حوضه آبریز هیرمند، رودخانه هیرمند و دریاچه‌ها

(امیر حسینی و نجفی،۴:۱۳۹۰)

جدول ۴: قراردادهای مربوط به رودخانه هیرمند و سهم آب ایران(امیر حسینی و نجفی،۱۳۹۰: ۶)

ردیف	نام قرارداد	سال انعقاد	سهم آب ایران	معاهده سالانه (میلیون متر مکعب)
۱	حکمیت گلداسمیت	۱۲۵۱	۵۰٪ - ورودی دلتا	۳۴۰۰
۲	حکمیت مک ماهون	۱۲۸۴	۳۳.۳٪ - ورودی دلتا	۲۳۰۰
۳	پروتکل موقت	۱۳۱۷	۵۰٪ - ورودی دلتا	۳۴۰۰
۴	پروتکل هیرمند	۱۳۵۱	۱۴.۵٪ - آبگذر دهراود	۸۲۰

در این مسئله، موقعیت بالادستی افغانستان نسبت به رودخانه هیرمند- با توجه به قرار گرفتن سرچشمه‌های هیرمند و ۹۵ درصد مسیر رودخانه در افغانستان- سبب شده

تا افغان‌ها این موضوع را در راستای اصل حاکمیت سرزمینی مطلق[۱] یا دکترین هارمون تفسیر کنند و دولت افغانستان نیز با استفاده از همین این برتری ژئوپلیتیک، تحت بهانه‌های مختلف ایران را همواره به موضع انفعال کشانده و خسارت‌های جبران‌ناپذیر مادی، غیرمادی و زیست‌محیطی به گستره جنوب شرق ایران وارد کرده است[۲] (فولر،۱۳۹۱: ۲۵۷-۲۵۸). یکی دیگر از عنصر ژئوپلیتیکی مهم و تأثیرگذار بر روابط میان افغانستان و ایران در دوران معاصر، علاوه بر موضوعات همچون مسئله هیدروپلیتیک هیرمند و بحران مهاجرت غیرقانونی افغان‌ها، مسئله مواد مخدر و جریان انتقال این مواد در امتداد مرز ایران با افغانستان به‌عنوان بهترین مسیر عرضه و ترانزیت مواد مخدر به داخل ایران و غرب است (عباسی،۱۳۹۳: ۱۹۱-۱۹۲).

در شرایط کنونی با انسداد مرزهای شمالی توسط ایران، ترانزیت مواد مخدر به سمت مناطق جنوب افغانستان منتقل شده است. بنابراین، این وضعیت سبب شده است تا منطقه جنوب شرق ایران، بیش از سایر مناطق کشور به‌عنوان گستره‌ای جغرافیای با امتیازات چون تک جداره بودن، کوتاهی مسیر و وجود فضاهای خالی سکنه به‌شدت تحت تأثیر ژئوپلیتیک مواد مخدر و معضلات و ناامنی‌های ناشی از آن قرار گیرد (ایزدی و دبیری،۱۳۹۱: ۱۱۵). بدین ترتیب، گستره تأثیرگذاری و فعالیت گسترده این تجارت غیرقانونی باندها و کارتل‌های قاچاق در این مناطق، اوضاع را به‌گونه‌ای در این بخش از گستره سرزمینی ایران به‌طور عام و استان سیستان و بلوچستان به‌طور خاص- به‌عنوان محیط هم‌جوار با کانون‌های اصلی تولید مواد مخدر در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی –

---

۱ - Absolute territorial sovereignty یا Harmon doctrine: اصلی که بیان‌گر و تأییدکننده مالکیت و حاکمیت تمام‌عیار دول بالادستی در مورد رودخانه‌های فرامرزی است (موسی زاده و عباس زاده، ۱۳۹۵: ۱۶۳ و میان‌آبادی،۱۳۹۲: ۲۱۷)؛

۲ - به‌عنوان شاهد مثال رئیس‌جمهور پیشین افغانستان در سفر آوریل ۲۰۱۵ خود به تهران خاطرنشان کرد که بدرفتاری با مهاجران افغان در ایران می‌تواند بر موضوع جریان آب رودخانه هیرمند به ایران تأثیر منفی بگذارد. (متقی و همکاران،۱۳۹۷: ۲۴۱-۲۴۳).

چنان پیچیده‌تر کرده است که سبب‌ساز شکل‌گیری و تقویت اشرار و گروهک‌های تروریستی مختلفی در این منطقه و درنتیجه تشدید معضلات امنیتی به‌صورت مشکلی چندوجهی در این پهنه جغرافیای شده است و این شرایط سبب شده است تا ایران هزینه‌های قابل توجه مالی و انسانی در عرصه برخورد با این معضل به دلیل بی‌ثباتی و ضعف دولت مرکزی در پاکستان و افغانستان در تحمیل اراده خود بر مناطق مختلف این کشورها به‌ویژه بر مناطق ناآرام جنوبی و غربی بپردازد[1] (یزدانی و بدخشان، ۱۳۹۳: ۱۱۸).

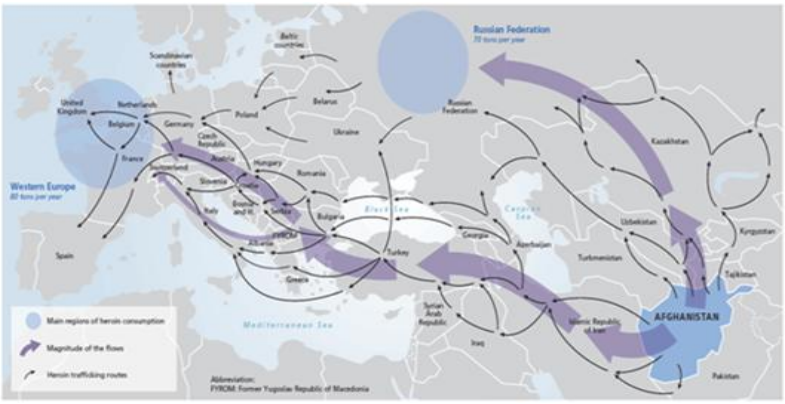

تصویر ۱۰: مهم‌ترین مسیرهای ترانزیت مواد مخدر (Source: UNODC:2011)

۱. بر اساس آمارهای منتشرشده عمده کشت خشخاش در استان‌های پشتون نشین هلمند، قندهار، ننگرهار و منطقه دل آرام ولایت نیمروز که پایگاه اصلی گروه طالبان در آن مناطق است، صورت می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر رجوع به: محمدی، حمیدرضا و غنجی، محمد (۱۳۸۶): چالش‌های ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)، فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱: ۹۰-۱۲۱./ واثق و محمود، احمدی، عباس و طباطبایی، عباس (۱۳۹۷). «تحلیل عوامل مؤثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلیتیک»، فصلنامه جغرافیا، ۵۸.

-Lazinica, A.(2010). The battle against opium production in Afghanistan, with special emphasis on the US efforts. *Dissertation library*. From http://www.diplomacy.edu/sites/default/files/30112010133501%20L.

فرجام سخن

با گذار از نظم دوقطبی و یک‌جانبه‌گرایی ایالات‌متحده، در قرن بیست و یکم و به‌ویژه پس از ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ به‌تدریج ماهیت تحولات نظام جهانی به‌مراتب با گذشته در تفاوت و تمایز است. مسائلی چون تقلیل نسبی نقش یک‌جانبه‌گرا و استبدادی ایالات-متحده و خروج ضمنی آن از برخی مناطق ژئو استراتژیک مانند غرب آسیا و سپردن نقش‌های فرا متنی خود به بازیگران همسو و برآمدن تدریجی و اجتناب‌ناپذیر کنشگران متعدد در نظام بین‌الملل به‌مرور منجر به پدید آمدن جهانی چندوجهی‌تر، پیچیده‌تر و به‌مراتب چندلایه شده است. در این بین، ماهیت رقابت‌ها و صف‌آرایی‌های متفاوت کنشگران نوعی از الگوهای نوین دوستی و دشمنی را سامان داده است و مناسبات تنگاتنگ بازیگران چنان بر کنش کارگزاران تأثیر گذاشته است که هر تحول و تغییری در یک محیط و منطقه، سایر مناطق و نواحی دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. برآمدن بازیگران جدید در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی و تجدیدنظر برخی از بازیگران، در عمل و پراکسیس منجر به طرح رقابت‌های تازه‌تر بر بستر ایستارهای گذشته شده است. لذا، مناطق جدیدی نیز عرصه رقابت‌های تازه شده و میدان‌های کلاسیک به‌تدریج جای خود را به دالان‌های نوین منطقه‌ای می‌دهند.

در پژوهش حاضر، نویسندگان با مفروض قرار دادن نقش و اهمیت مناطق جدید مانند مکران، این پرسش را مورد ارزیابی قرار داده‌اند که بر اساس آن، با دگرگونی در مسائل بین‌المللی و تغییر در اهمیت مناطق استراتژیکی و راهبردی مانند مکران در دامنه جنوب شرق ایران، اصلی‌ترین چالش‌های داخلی –به‌مثابه مقدورات و توانمندی‌های ملی- در ابعاد و زمینه‌های مختلف کدام‌اند؟ در همین راستا، نتایج پژوهش بیانگر آن است که اهمیت مناطق جدید و ظهور چهره‌ی نوینی از منطقه‌گرایی، یک تفاوت و تمایز اساسی با نظم‌های پیشین (۱۹۴۵-۱۹۸۹) و (۱۹۹۰-۲۰۰۸) دارد. برآمدن بازیگران منطقه‌ای مستقل که برخلاف منافع دیگر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای دیگر تا حدی به

شکل مستقل پیگیر منافع ملی کلان در محیط پیرامونی محلی خود هستند. دسترسی قابل وصل جغرافیایی به کنشگران محلی این امکان را می‌دهد تا با عدول از اهرم‌ها و فشارهای چندلایه سیستمی، حداقلی از منافع خود را بازیابی کنند. البته این به معنای انجام کنش و عمل برخلاف تمام بازیگران و سیاست‌های رادیکالی ناسیونالیستی و تک‌محوری نیست، بلکه بدان معناست که برخلاف سنت دیرین روابط بین‌الملل، پیگیری منافع حیاتی بازیگران صرفاً از مجرای تبعیت صرف از کنشگران جهانی نیست و هزینه‌های بسیار مقابله با بازیگران منطقه‌ای و ترس از سبقت دیگر رقبا و دلایل بی-شمار دیگر منجر به طرح منطقه‌گرایی در سیاست خارجی به‌مثابه راهبردی مهم برای کنشگران منطقه‌ای شده است.

یکی از مناطق حیاتی و فوق‌العاده مهم نظام جهانی، منطقه مکران در جنوب شرق ایران به سمت اقیانوس هند است که بخش‌هایی از غرب پاکستان و دریای عمان را نیز در برمی‌گیرد. دلایل متعدد بسیاری منجر به اهمیت فزاینده این منطقه در سطح بین-المللی شده است که عبارت‌اند از: نخست، اهمیت منطقه برای بازیگران بین‌المللی به‌ویژه چین (و هند) که برای نقش‌آفرینی و اتصال به خاورمیانه و نیز حفظ منافع کلان خود در مقابل ایالات‌متحده به دنبال تثبیت نقش خود در منطقه مذکور هستند. از طرفی، اهمیت نقش اتصالی این منطقه در طرح B&R (بی-آر) و اتصال بیش از ۶۵ کشور به اقتصاد چین و نقش‌آفرینی در مقابل روسیه (به شکل مضمر) به دلیل تنها راه اتصال روس‌ها به آب‌های گرم از دیگر دلایل اهمیت منطقه برای چین هستند. همچنین، نقش ارتباطی این منطقه در بازار انرژی به‌ویژه برای بازیگران عربی و آسیای مرکزی و نیز پاکستان و افغانستان، اهمیت منطقه را برای بازیگران دوچندان کرده است. از سوی دیگر، بازیگران جهانی مانند ایالات‌متحده برای حفظ برتری نسبی خود در مقابل چین (از طریق متحدانی چون هند و حتی پاکستان) هستند تا همانند دریای جنوبی چین در موقعیت شکننده‌ای قرار نگیرد.

بیشترین سهم جغرافیایی (سرزمینی و دریایی) در منطقه مکران از آن ایران است، ولی میزان نقش‌آفرینی کشور در مسائل کنونی و نیز الگوهای سامان‌یافته دوستی و دشمنی در سطح بسیار نازلی است و واقعیت بیانگر وجود ترتیبات و مناسبات چندلایه دو یا چندجانبه بین بازیگران منهای ایران است. به طور کلی، سه محور و الگوی همکاری‌جویانه در این منطقه وجود دارد که عبارت‌اند از: نخست، چین، هند، پاکستان و برخی بازیگران عربی حاشیه خلیج‌فارس، دوم، روسیه و بازیگران عربی حاشیه خلیج‌فارس و پاکستان و سوم، ایالات‌متحده و بازیگران عربی و پاکستان از یک‌سو و هند از دیگر سو. بر این اساس، ایران در اغلب مناسبات احتمالی کمترین جایگاه را دارد. در شرایطی که پس از ۲۰۰۹ و طرح لوله صلح و سیاست‌های گرایش به شرق گمان می‌رفت که ایران به یکی از بازیگران مهم غرب آسیا مبدل شود. همچنین، پس از توافق مبهم همکاری‌های ۲۵ ساله ایران و چین انتظار می‌رفت در مقابل تبدیل‌شدن چین به شریک اول ایران، نقش ایران را در منطقه مکران مورد پذیرش صریح قرار دهد، ولی این مهم هرگز تحقق نیافت. از دیگر سو، بازیگرانی چون هند و پاکستان و بازیگران عربی حاشیه خلیج‌فارس تحت تأثیر دو عامل رقابت با ایران و نیز همسویی با ایالات‌متحده حاضر به پذیرش نقش ایران در این منطقه نیستند؛ بنابراین، ایران در یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت جهانی در منطقه پیرامونی خود که بیشترین سهم جغرافیایی را دارد، نتوانسته است به حداقلی از منافع و اهداف خود دست یابد.

نهایتاً باید گفت، گستره‌ی متعدد و بی‌شماری از مشکلات و چالش‌ها در جنوب شرق ایران و به‌ویژه در استان سیستان و بلوچستان به‌عنوان استان جغرافیایی منطقه مکران، وجود دارد و چالش‌ها و مشکلات مذکور به شکل فزاینده‌ای در حال افزایش و گستردگی هستند و در حقیقت، هیچ عزمی برای حل و به حداقل رساندن آن‌ها نیز وجود ندارد. این مهم نقش ایران را در مسائل غرب آسیا به‌شدت کاهش خواهد داد و آینده سیاسی سیاست خارجی را درگیر مشکلات بزرگ خواهد کرد. پژوهش‌ها و تحقیقات متعدد در سطوح مختلف نشانگر وضعیت بسیار وخیم توسعه‌نیافتگی

اقتصادی در این منطقه است و حتی در امور اولیه چون آب آشامیدنی و آموزش‌وپرورش نیز وضعیت نگران‌کننده است. نتایج نشانگر آن است که کمترین طرح و پروژه توسعه محور و عمرانی در این استان و منطقه اجرا شده است و در شرایطی که منطقه مذکور دارای ظرفیت‌های بی‌شماری در زمینه اقتصادی، تجاری، دریایی، توریستی، صنعتی، کشاورزی، دامداری و غیر آن است، نمی‌توان شاهد مثال معتبری در زمینه توسعه ذکر کرد.

از نمای دیگر باید گفت، وضعیت نامناسب توسعه انسانی و آموزش و فقدان کنشگران مدنی توانمند منجر به از دست دادن ظرفیت‌ها و مقدورات ملی شده است. مروری بر شاخص‌های مختلف انسانی و رفاهی در همه زمینه‌ها نشانگر تفاوت فاحش این استان در قیاس با شهرهای دیگر مانند تهران، مشهد و اصفهان است. وجود محرومیت‌های متعدد و آسیب‌های اجتماعی یکی از زمینه‌های بسیار پرمخاطره برای تشدید مشکلات امنیتی و رشد جریانات افراطی و خشونت‌گرا و نیز افزایش تجارت مواد مخدر و قاچاق کالا شده است. بر اساس نظریات مطرح جامعه‌شناسی مانند محرومیت نسبی و افزایش سطح انتظارات، به میزان ایجاد محرومیت، گرایش به رفتارهای خشونت محور و افراطی افزایش خواهد یافت. از سوی دیگر در فقدان سهیم‌سازی سیاسی، ضمن کاهش مشارکت سیاسی و تضعیف سرمایه اجتماعی و مشروعیت سیاسی، این منطقه به کانونی برای جذب گروه‌های مسلح (تروریستی) بین-المللی (در همه زمینه‌های دینی-مذهبی، سیاسی و غیره) شده است. به‌واقع، هیچ کنشی در خلأ شکل نمی‌گیرد و در فقدان شرایط مناسب و عدم سهیم‌سازی در قدرت، گرایش‌های خشونت‌گرا و اعتراضی و گاه در قالب گروه‌های تروریستی افزایش یافته است.

بنابراین، در شرایطی که منطقه مکران می‌بایستی به اسب تروای ایران در مسائل اقتصاد جهانی و مبدل شدن به بازیگری بزرگ در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شود، در فقدان سیاست ورزی مناسب و سیاست‌های مقطعی و گاهاً ایدئولوژیک و

عدم توزیع عادلانه بودجه عمومی کشور و عدم سهیم سازی سیاسی، محذورات بر مقدورات برتری یافته است و این منطقه به پاشنه‌ی آشیل امنیت و اقتصاد ایران تبدیل شده است. در حال حاضر، تنها سیاست اتخاذی در این راستا، ایجاد مرکزی برای توسعه مکران است که بر اساس شواهد و نظرات کارشناسان، در شرایطی که هیچ‌یک از اعضا و حتی در سطح کارشناسی نیز یکی از نخبگان محلی جنوب شرق وجود ندارد، چگونه می‌توان انتظار داشت که وعده انتخاب مکران به‌عنوان پایتخت بتواند در عمل پیاده شود. بی‌شک، از دست دادن فرصت‌ها و تبدیل‌شدن آن به تهدیدات، به‌تدریج منجر از دست دادن فرصت‌ها پشت سر هم خواهد شد و در فقدان سیاست خارجی مستقل و توانمند می‌بایستی شاهد انزوای بیشتر و افزایش تحولات ناهم‌سو با منافع کلان و راهبردی کشور بود. قطعاً، فائق آمدن ابتدایی و آغازین در مرحله جنینی، اجماع نخبگان در زمینه مفاهیم اولیه منافع ملی و سیاست خارجی و سپس، تعریف وفاق‌گرایانه منافع و رسیدن به این واقعیت است که وضعیت سیاست خارجی در جهات مختلف بسیار شکننده و به دور عقلانیت و عقلایی‌سازی منطقی است.

References

ابراهیم‌زاده، عیسی و موسوی، میرنجف و باقری کشکولی، علی (۱۳۹۵). آمایش ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۱۴(۴۲)، ۲۶-۱.

ابراهیم‌زاده، عیسی؛ موسوی، میر نجف و کاظمی زاده، شمس اله (۱۳۹۱). تحلیل فضایی نابرابری‌های منطقه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۲۱۴-۲۳۵.

احمدی، حمید (۱۳۹۱). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران؛ افسانه و واقعیت*، چاپ نهم، تهران، نشر نی.

اخباری، محمد؛ غم پرور، احمد و بزله، احمد (۱۳۹۴). تبیین توسعه پایدار سیاسی؛ مطالعه موردی: ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۳: ۳۳-۵۸.

اعظمی، هادی و حیدری، جهانگیر (۱۳۹۴). مدل‌سازی نشانگان سیاست‌های همگرا و واگرای قومی در ایران، تهران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۷۱-۱۰۰.

افراخته، حسن (۱۳۹۶). جغرافیا اقتصادی جدید و تبیین نابرابری ناحیه‌ای در ایران، *فصلنامه جغرافیا*، ۵۴: ۶۱-۷۸.

ایزدی، حسن و دبیری، علی‌اکبر (۱۳۹۲). ارزیابی جغرافیای تروریسم در جنوب شرقی ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۱۲۶-۹۱.

پیشگاهی فرد، زهرا و امیدی آوج، مریم (۱۳۸۸). ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۴۸-۷۱.

حسنوند، مظفر (۱۴۰۳). منطقه مکران؛ کانون رقابت‌های جدید در آسیا، *مجله ایرانی مطالعات آسیا*، ۱ (۱): ۱۲۷-۱۵۴.

حسنوند، مظفر (۱۴۰۰). منطقه‌گرایی و مناطق جدید؛ دالان‌های نوین رقابت؛ مطالعه‌ی موردی منطقه مکران، *فصلنامه علمی مکران و خلیج‌فارس*، ۱ (۳): ۵۰-۵۸.

حسنوند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). نظم نوین جهانی و تحول در منطقه‌گرایی جدید، *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۰ (۴۰): ۳۹-۶۹.

خضری، محمد و فرجی راد، خدر و قاسمی، محمد (۱۳۹۶). پیامدهای امنیتی ناموزونی توسعه منطقه‌ای در ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۴: ۱۵۹-۱۸۴.

دبیری، علی‌اکبر، حافظ نیا، محمدرضا و صفوی، سید یحیی و اخباری، محمد (۱۳۹۶). ارزیابی متغیرهای ژئوپلیتیک مؤثر در شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های تروریستی (مناطق مرزی بین افغانستان و ایران)، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۲: ۱۶۳-۱۹۲.

زنگنه، مهدی (۱۳۹۵). ارزیابی و تحلیل شاخص‌های توسعه انسانی در مناطق شهری کشور، *مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری*، ۱: ۱۴۹–۱۶۰.

سلیقه، محمد؛ بریمانی، فرامرز و اسمعیل‌نژاد، مرتضی (۱۳۸۷). پهنه‌بندی اقلیمی استان سیستان و بلوچستان، *فصلنامه جغرافیا و توسعه*، ۶ (۱۲): ۱۰۱–۱۱۶.

شهدادی، علی، سجاسی، حمدالله، میرزاده، مهدی، حسنی، فریبا و حسینی، سیدرضا (۱۳۹۹). ارزیابی وضع موجود نظام سلسله‌مراتبی جمعیت شهرهای جنوب شرق و تأثیر آن بر آینده شاخص‌های توسعه منطقه‌ای، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۳۸.

شهیکی‌تاش، محمد نبی؛ یغفوری، حسین و درویشی، باقر (۱۳۹۴). بررسی شدت عدم تعادل فضایی و منطقه‌ای در استان‌های ایران، *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۷: ۳۰–۱۵.

صالحی، سید جواد و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۹). جنوب شرق؛ تشدید رقابت‌ها و راهبردهای بازدارندگی ایران، *همایش مجازی «خلیج‌فارس و سواحل مکران در آستانه قرن ۱۵ خورشیدی؛ امنیت و توسعه پایدار»*، شیراز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، مرکز مطالعات راهبردی خلیج‌فارس.

صالحی، سید جواد، حسنوند، مظفر و اسفندیاری، مهدی (۱۳۹۷). ظرفیت‌های جغرافیای جنوب شرق ایران و سیستم بازدارندگی منطقه‌ای، تهران، *کنفرانس بین‌المللی امنیت، پیشرفت و توسعه پایدار مناطق مرزی، سرزمینی و کلان‌شهرها*، ۵ اردیبهشت.

ضرغامی، برزین و انصاری زاده، سلمان (۱۳۹۱). تحلیل فرصت‌ها و تهدیدها ژئوپلیتیکی قوم بلوچ از دیدگاه نظریه شکاف‌های سیاسی – اجتماعی، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۸۱: ۹۵–۱۱۰.

عباسی، ابراهیم (۱۳۹۱). عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی در توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان، تهران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۸۲–۲۱۵.

کاویانی‌راد، مراد و سعادتی جعفرآبادی، حسن (۱۳۹۶). قلمرو گستری خاوری ایران در مناسبات پسا تحریم، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل*، ۳۳.

کاویانی‌راد، مراد؛ آذر خواه یدالله و شیخیانی، عبد المهدی (۱۳۹۵). تبیین آثار مقیاس‌های جغرافیایی بر شکل‌گیری پدیده ناحیه گرایی در جنوب شرق ایران، *مجله جغرافیای سیاسی*، ۱ (۱): ۱–۲۳.

کاویانی‌راد، مراد؛ نامدار زاده، مسلم و گلشن، محمدامین (۱۳۹۶). نسبت ناحیه گرایی با ادراک محیطی؛ مطالعه موردی جنوب شرق ایران، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۳: ۱۸۸–۱۶۹.

کاویانی‌راد، مراد؛ ساسان پور، فرزانه و نصرتی، حمیدرضا (۱۳۹۸). واکاوی مفهوم امنیت آب از منظر جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۵۹-۲۳.

کتزنشتاین.جی، پیتر (۱۳۹۰). *فرهنگ امنیت ملی*، جلد اول، ترجمه‌ی محمدهادی سمتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

محمدحسینی، مسعود و علی پور، عباس (۱۳۹۱). سنجش تهدیدهای امنیتی در جنوب شرق ایران (با تأکید بر امنیت مرزی)، *مجله سیاست دفاعی*، ۲۰ (۷۸): ۱۹۵-۱۶۳.

مختاری‌هشی، حسین و قادری حاجت، مصطفی (۱۳۸۷). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵ (حوضه‌های دجله و فرات، رود اردن و رود نیل)، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱: ۷۴-۳۶.

مختاری‌هشی، حسین (۱۳۹۲). هیدروپلیتیک ایران؛ در جغرافیای بحران آب در افق سال ۱۴۰۴، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۳: ۸۳-۴۹.

موسی زاده، رضا و عباس زاده، مرتضی (۱۳۹۵). ابعاد حقوقی بهره‌برداری از رودخانه مرزی هیرمند توسط ایران و افغانستان، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ۹۳: ۱۸۳-۱۵۹.

میان‌آبادی، حجت (۱۳۹۲). ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های مرزی، *پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۹: ۲۳۵-۲۰۳.

واثق، محمود؛ احمدی، عباس و طباطبایی، عباس (۱۳۹۷). تحلیل عوامل مؤثر در آمایش نواحی مرزی ایران و افغانستان از منظر ژئوپلیتیک، *فصلنامه جغرافیا*، ۱۶ (۵۸).

واثق، محمود و صفوی، سید یحیی و حسینی، سید سلمان (۱۳۹۵). رهیافت هم تکمیلی، مبانی و کارکردهای آن: با تأکید بر منطقه جنوب شرقی ایران، تهران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۲ (۱): ۲۴-۵۹.

ویسی، هادی و مهماندوست، خدیجه (۱۳۹۲). تأثیر نظام سیاسی تک ساخت بر آرایش فضایی – مکانی و توسعه شهرهای ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۲: ۲۰۴-۲۲۹.

ویسی (۱۴۰۲). توسعه منطقه مکران در گرو اتخاذ راهبرد دریایی و آمایش سرزمین، *جغرافیا*، ۲۱ (۷۷): ۳۱-۵۴.

یزدانی، عنایت‌الله و بدخشان، مجتبی (۱۳۹۳). تأثیر تولید و تجارت مواد مخدر بر کاهش امنیت در افغانستان، *فصلنامه پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، ۳ (۱): ۱۱۸-۱۴۰.

Amour, P. O. (2020). *The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East: Regional Rivalries and Security Alliances*, [Edi], Palgrave Macmillan

Bhatnagar, A & Divya, J. (2013). Accessing Afghanistan and Central Asia: Importance of Chabahar to India, Observer Research Foundation,

SPECIAL REPORT, (accessed June 2, 2024), www.*orfonline*.org, pp: 1-16. at: https://www.orfonline.org/wp-content/uploads/2013/11/specialreport.pdf

Dipak K, D. (2012). India eyeing Iran's Chabahar port for direct access to Central Asia, August 26, (accessed June 3, 2024), at: http://articles.timesofindia.indiatimes.com/2012-08-26/india/33401506_1_direct-access-iran-s-chabahar- indian-ports-association

Giegerich, B., Hokayem, E. & Jagtiani, S. (2022). *Regional security and alliances in the Middle East and the Indo-Pacific: implications for European security,IISS*, The International Institute, at: https://www.iiss.org/globalassets/media-library---content--migration/files/research-papers/2022/hanns-seidel-paper---regional-security-and-alliances.pdf

Iran International. (April 3, 2024). Sunni Militants Attack Security Forces in Iran's Southeast: The insurgent Sunni Baluch group Jaish al-Adl on Thursday launched simultaneous attacks against military posts in southeastern Iran, (accessed June 7, 2024), at: https://www.iranintl.com/en/202404035929

Jyoti, M. (2013). Iran port may give wings to India's ambitions in S Asia, *Rediff News*, June 3, (accessed June 2, 2024), at:.http://www.rediff.com/news/report/iran-port-may-give-wings-to-indias-ambitions-in-s- asia/20130603.htm

kahler, M. (2016). Regional Challenges to Global Governance, *Council on Foreign Relations*, New York.

Keck, Z. (2013). India's Afghan Power Play, Via Iran*, The Diplomat*, April 4, (accessed June 2, 2024), at: http://thediplomat.com/pacific-money/2013/04/04/indias-afghan-power-play-via-iran/ 28. See n. 19

Khan Zeb, Z & Shahab, A. (2019). Structural Violence and Terrorism in the Federally Administered Tribal Areas of Pakistan, *Civil wars*, Pages 1-24, Published online: 12 Mar, (accessed June 8, 2024), at: https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/13698249.2019.1586334?journalCode=fciv2

Kissane, D. (2008). *Forecasting the Storm: Power Cycle Theory and Conflict in the Major Power System*, Selected Works, EUROPOLIS 3, at:http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.625.3911&rep=rep1&type=pdf

-Lazinica, A. (2010). The battle against opium production in Afghanistan with special emphasis on the US efforts, *Dissertation library*. From http://www.diplomacy.edu/sites/default/files/30112010133501%20L.

Mollazehi, P. (2016). The Coast of Makran: An Arena for Rivalry among Powers, *Iran Review*, at: http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Coast-of-Makran-An-Arena-for-Rivalry-among-Powers.htm

Roche, E. (2012). Chabahar port: Iran keen to finalize development plans before Nov, *Live Mint*, September 6, (accessed Aug 21, 2023), at: http://www.livemint.com/Politics/TarzE184Wm8bau0Hm33qHM/Chabahar-port-Iran-keen-to-finalize-development-plans-befor.html

Rouhi Dehboneh, M. (2011). New Approach to Reasons for Disintegrations of Iran and Persian Gulf Cooperation Council, *European Journal of Social Sciences* – Volume 24.

Sachdeva G. (2016). The New Silk Roads, India, (accessed June 8, 2024), Available at: https:// www. *jnu*. ac.in/.../New%20Silk%20Roads%20Gulshan%20Sac.

Sachdeva, G. (2016). India in a reconnecting Eurasia, a report of the CISS Russian and Eurasia Program, *Rowman Littlefield*, NewYowrk, (accessed June 3, 2024) Accesses at: https:// www. csis. org/analysis/india-reconnecting-eurasia.

Sakhuja, Vijay & Prabhakar, W. Lawrence S. (2022). *Maritime Security Complexes of the Indo-Pacific Region*, Indian Council of World Affairs and Centre for Public Policy Research.

Sarker,M. A (2018). Numerical modelling of tsunami in the Makran Subduction Zone – A case study on the 1945 event, *Journal of Operational Oceanography* , Published online At: https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/1755876X.2018.1527883?scroll=top&needAccess=true

Shankar, A. (2016). India s Iran conundrum, *Aspin Institute India*, (accessed June 7, 2024), at: http://www.anantaaspencentre.in/pdf/india_iran_conundrum.pdf.

Shoaib, R .(2016). Chabahar The Gains for Afghanistan from Strategic Competition, University of Sussex, (accessed June 8, 2024), available at: https:// www. researchgate. net/ publication/305722521

Slavin, B . (March 10, 2023). “China Shows its Constructive Side by Brokering a Deal Between Iran and Saudi Arabia”, *STIMSON*, (View date 6 June 2024), At: https://www.stimson.org/2023/china-shows-its-constructive-side-by-brokering-a-deal-between-iran-and-saudi-arabia/